

نبرد افغانی استالین – بخش های دهم تا دوازدهم

پروفسور داکتر یوری تیخانف
گزارنده: عزیز آریانفر

برگرفته از کتاب: نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون)

بخش دهم نخستین کامیابی ها و ناکامی های کمینترن در «دهلیز افغانستان»

تاریخ نویسان همواره برتری بزرگی نسبت به پرسوناژ های خود دارند: نتیجه نهایی به آنان روشن است و می توانند خردورزانه تر علل شکست یا پیروزی کدامین شخصیت اعصار گذشته را تجزیه و تحلیل کنند و بشگافند. در این حال، همه ناکامی ها معمولا ماجراجویی و کامیابی های به دست آمده در مبارزات جسورانه- پیروزی اعلام می گردد.

برای همه پژوهشگران بدیهی پنداشته می شود که هرگاه بر پیاده سازی برنامه های ماجراجویانه منابع بزرگ انسانی و مادی تخصیص یافته باشد، هر چند هم اهداف اصلی به دست نیامده باشد، حتما نتایج وزین میانگینی پدید می آید. طبق همین قاعده، در سال های 1920-1921 رخدادها در ترکستان افغانستان و هند به راه افتادند.

پس از پیروزی بلشویک ها در 1917 هرگونه ماجراجویی کمینترن در خاور عملیات نسبتا کوچک متهورانه می نمود که پیاده سازی آن بیشتر بسته بود به روح و لجاجت انقلابی تا اوضاع واقعی.

افزون بر این، در مسکو و تاشکنت نیک می دانستند که سازمان اطلاعاتی کمینترن در افغانستان و هند می تواند مواضع انگلیس را در آسیای میانه به شدت تضعیف نماید و این کشور قدرت مند را وادار سازد دیر یا زود در برابر روسیه شوروی کوتاه بیاید.

در یک سخن، انقلاب در هند برنامه «حد اعظمی» بود. اما ایجاد ستون پنجم ضد بریتانیای کمینترن در «دهلیز(دالان) افغانستان» برنامه «حد اقلی».

برای تحقق آن در هر گونه تحول اوضاع، بر روسیه شوروی و کمینترن بود تا در نزدیکی مرزهای هند بریتانیایی «پایگاه انقلابی هند» را ایجاد نمایند.

روی همین منظور، جای «شورای تبلیغات و اقدامات انترناسیونالیستی» را در اواخر تابستان 1920 «دفتر ترکستان» کمینترن گرفت. علت اصلی برچیده شدن گلیم شورا آن بود که این ارگان کمینترنی نتوانست شبکه پر شاخ و برگ خوب زیر زمینی برونمرزی انترناسیونال سوم را در کشورهای همسایه ترکستان تنیده و بگسترده: نتوانست پلیگاه های واقعا فعال ارتباط را در مرزها ایجاد نماید. خیرچینی منظم و تدوین اطلاعات پیش برده نمی شد. به خاطر رعایت نکردن موازین عادی محرمانه، ماموران آن یکی پی دیگری لو می رفتند. در این رابطه، در تاشکنت دفتر ترکستان کمینترن آغاز به کار کرد که پویایی بزرگی در زمینه ایجاد ساختارهای غیر قانونی کمینترن هم در ترکستان و هم در آسیای میانه پیش روی آن بود.

رهبران سه گانه دفتر ترکستان کمینترن با این سنجش برگزیده شدند که به گونه اعظمی بتوانند منابع جمهوری ترکستان را برای حل این مساله به کار اندازند. برای مثال ی. سوکولنیکف که ارگان نو کمینترن را رهبری می کرد، همزمان فرمانده جبهه ترکستان، صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست بلشویکی دفتر ترکستان و صدر کمیسیون ترکستان بود. همکار وی گ. صراف همزمان عضو رهبری دو دفتر ترکستان بود: کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه (شاخه بلشویکی) و کمینترن.¹

تنها م. روی در تاشکنت صرف نماینده کمینترن بود و مساعی خود را برای ایجاد «پایگاه انقلابی هند» متمرکز ساخته بود. این یکی از دلایلی بود که کار در افغانستان و هند برای دفتر ترکستان کمینترن اولویت یافته بود.

روند سامانیایی این سازواره کمینترنی نسبتاً با دشواری پیش می رفت. تا اواخر 1920 شورای تبلیغات انترناسیونالیستی و دفتر ترکستان کمینترن عملاً موازی با هم وجود داشتند. تنها مقارن با اوایل 1921 ساختار دفتر ترکستان کمینترن به میان آمد و کار اطلاعاتی آغاز به شکلگیری کرد.

سیمای دستگاه این سازمان قرار زیر بود:

- 1- صدر دفتر ترکستان- دبیر مسوول آن بود. تا ماه مارچ سال 1921 فعالیت های آن را مورد سه گانه ی. سوکولوف، گ. صراف و م. روی میان خود تقسیم می نمودند.
- 2- اداره عمومی، دفتر محاسبات و بخش تامينات بخش مرکزی دستگاه را می ساخت.
- 3- شعبه سازمانی (تشکیلات) با اهمیت ترین بخش دفتر بود که به بخش های محرم، زیر زمینی (مخفی) و رسمی تقسیم می شد. بخش غیر رسمی (خفیه) کار مسوولان ارتباط با افغانستان، پامیر، ایران و چین را رهبری می کرد. آن ها به نوبه خود نقاط مرزی و برونمرزی را زیر پوشش گرفته بودند. وظیفه اصلی و عمده بخش محرم پرداختن به مراسلات رمزی (شفری)، پیشبرد کارهای شبکه های خبرچینی برونمرزی بود. کار نمایندگان با صلاحیت در خیوه و بخارا کمیته انقلابی هند ایجاد شده از سوی م. روی و مربیان «اتحادیه کارگران چینی» در دایره مکلفیت ها و مسوولیت های بخش رسمی قرار می گرفت.
- 4- شعبه نشرات و چاپ به پخش آثار اشتهاری و تبلیغی به شمول اوراق تبلیغی و کتابواره ها به زبان های خاوری می پرداخت. شمار کارکنان و کارمندان دفتر ترکستان کمینترن مقارن با ماه مارچ 1921 به 157 نفر می رسید.²

هنگامی که م. روی به ریاست «هیات افغانی» به تاشکنت رسید، بی درنگ به پیاده سازی برنامه های خود پرداخت. برای آن که وقت را از دست ندهد، در بافتار هیات بخش نظامی ایجاد گردید که بر شالوده آن «آموزشگاه نظامی برای آموزش مورد فرماندهی از جمع انقلابیون هند (کورس های فرماندهی هندی همه اقسام اسلحه) ایجاد گردید.

بی درنگ توافق گردید که دو سوم افسران آموزشگاه نظامی متشکل از جمع مسلمانان نواحی شمال باختری هند بریتانیایی باشد. سوکولنیکف و م. روی می خواستند پس از شش ماه یک صد «افسر انقلابی» را به گستره قبایل پشتون برای ایجاد «بریگاد هندی» گسیل دارند.³

¹ جنگ داخلی و مداخله نظامی در شوروی. دانشنامه، مسکو، 1987، ص. 690، 612-61.

² سیمای اپارات دفتر ترکستان کمینترن و پیوندهای آن با سازمان های انقلابی برونمرزی // بایگانی دولتی تاریخ سیاسی و اجتماعی روسیه، پرونده ویژه 4، کارت 3، برگ 2؛ «فهرست کارمندان دفتر ترکستان کمینترن...» // همان جا، فوند 544، پرونده ویژه 4، کارت 5، برگ های 65-67. در این فهرست به دلیل نامعلومی از سوکولنیکف، صراف و روی نام برده نشده است. همراه با آن «در دفتر ترکستان 157 نفر کار می کردند. برخی از جوانب کار این سازمان را و. م. گیلینسن در اثر خود زیر نام دفتر ترکستان کمینترن (پاییز 1920-1921)، انتشارات خاور، 1999، شماره 1 صص 59-77 آورده است.

³ م. روی- به اسکلیانسکی، تاریخی 10.11.1920 // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 11، برگ 6.

برای پیاده سازی این برنامه، آموزشگاه ویژه نظامی ایجاد گردید به این وسعت: در آغاز به گونه ابتدایی در آن در نظر بود کورسانت ها را در شش بخش (هوایی، توپچی، سواره نظام، پیاده تیربار و مهندسی) آموزش دهند. مگر در تاشکنت تنها 25 نفر هندی را یافتند که حاضر بودند در این کورس ها شامل شوند. در رابطه با این، «کورس های فرماندهی هندی» تنها متشکل بودند از بخش های پیاده و هوایی. بخش بزرگ هندی ها در کورس های پیاده آموزش می دیدند که مبادی پیاده نظام را فرا می گرفتند. همه کورسانت ها مبادی کاربری تفنگ ها و تیربارها را می دانستند. ده نفری که در کورس هوایی آموزش می دیدند، عملاً دانش پروازی و هوایی را فرا نگرفتند، چون جنگنده های «نیوپور» و «فرمان-3» را نمی توانستند چونان هواپیماهای آموزشی به کار گیرند.⁴

ترکیب فرماندهی- مدرس کورس های فرماندهی هندی از جمع کارشناسان «هیات افغانی» برگزیده شده بود. برای مثال، سازمانده و نخستین فرمانده این آموزشگاه نظامی فرمانده سرخ-ن. کیسیلیوف بود و خلبان گویه بخش هوایی را رهبری می کرد.

در اواخر ماه مارچ 1921 (در آستانه لغو) و. لوسیف- رییس اداره نظامی- علمی آموزشگاه ویژه هندی که یک مامور اطلاعاتی- نظامی با پیشینه کار پیش از انقلاب بود، آغاز به رهبری آموزشگاه ویژه هندی نمود. این گونه، کورس های هندی زیر کنترل مستقیم نماینده یکی از ارگان های اطلاعاتی جبهه ترکستان قرار گرفت.

مداخله ستاد جبهه ترکستان در امور آموزشگاه نظامی کمینترن یک تدبیر ناگزیر بود: وضعیت امر در کورس ها برای انقلابیون هندی بسیار بد بود و از دست می رفت. افزون بر آن که بخش مادی آن تامین نگردیده بود، بسیاری از کارشناسان نظامی از هیات بورودین- روی از آن ناخشنود بودند که در نقش استادان گروه کوچک هندی های ژنده پوش و تهیدست ظاهر شده بودند.

فرماندهان سرخ برای کار محرمانه رهسپار افغانستان بودند و تاخیر پیش بینی نشده آن ها در تاشکنت هر گاه بی پرده گفته شود برای شان ناخوشایند بود. بسیاری از آنان در نخستین فرصت به دست آورده در پی گرفتن وظایف دیگر می برآمدند و از همین رو شور و وجد بایسته را در آموزشدهی نظامی هندی ها تبارز ندادند. در نتیجه، به گفته م. روی «امر هند زیان می دید».⁵

هرگاه در آماده سازی کادرهای نظامی برای «انقلاب» در هند، کار بی درنگ به راه نیفتاد، مگر کار در میان هندی ها و افغان ها در مراحل نخست از دید کمینترنی ها بس امید بخش می نمود. پس از سرنگونی امیر بخارا و اشغال این کشور از سوی یگان های ارتش سرخ، شمار هندی ها که در گستره پویایی بلافصل دفتر ترکستان کمینترن آمدند، به گونه چشمگیری افزایش یافت و به فزونی ادامه داد. چون پاییز 1920 امواج جنبش خلافت مسلمانان هند بریتانیایی به ترکستان رسیده بود. ده ها تن از هندی ها که آرزومند دفاع از سلطان ترکیه (خلیفه) در برابر زور گویی های انگلیسی ها بودند، آغاز به آمدن به بخارای قدیم و تاشکنت نمودند.

این آدم ها روشن است می کوشیدند هر چه سریعتر به آناتولی بروند مگر بر خلاف خواست خود مدت درازی در ترکستان معطل ماندند. در گستره شوروی آن ها زیر تاثیر پروپاگندهای پرشور بریتانیا ستیزانه و کمونیستی کمینترنی ها قرار گرفتند.

مساله جلب و جذب و کشاندن ناسیونالیست های هندی به همکاری با کمینترن با آن آسان تر می گردید که پای بسیاری از آنان در ترکستان خلاف خواست شان به گرداب خونبار جنگ داخلی کشانیده شده بود و

⁴ «طرح فشرده سازماندهی آموزشگاه نظامی برای آموزش بورد فرماندهی از جمع انقلابیون هندی»، تاریخی 1920.10.5// بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 34، برگ های 5-7.

⁵ نامه م. روی به قره خان تاریخی 1920.11.17// بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 11، برگ 8.

برای حفظ زندگی خود ناگزیر گردیده بودند تفنگ در دست در برابر باسماچی ها بجنگند. برای مثال، امنیت حکومت شوروی بخارا را دسته یی از تیربارچیان برگزیده شده از جمع هندی ها به دوش داشتند.

مقارن با اواخر 1920 تنها در بخارا نزدیک به دوصد تن خارجی بود و باش داشتند که به گونه خود جوش پیرامون دو گروه گرد آمده بودند. یکی از این دو گروه متشکل بود بر بازرگانان و بازاریان. تلاش های نمایندگان دفتر ترکستان کمینترن مبنی بر پیشبرد تبلیغات در میان آن ها به برآیندهای بازگوه انجامید: بازرگانان ترس خورده بیخی از زندگی سیاسی در بخارا کنار کشیدند. مگر حتا آن ها ناخواسته به کمینترن در زمینه راه اندازی کارهای زیر زمینی در افغانستان و هند کمک نمودند. حکومت شوروی در ترکستان با نومید شدن از کشاندن متشبثان هندی [و افغانی-گ.] به سوی خود، اوراق هویت افغانی و بریتانیایی آنان را گرفتند. پسان ها اجنت های کمینترن از این اسناد اوریجینال [برای گسیل ماموران خود به افغانستان و هند زیر نام اتباع این کشورها-گ.] بهره گیری نمودند.

گروه دیگر در میان کولونی هندی در بخارا مهاجران سیاسی بودند که در سال های جنگ جهانی اول و سال های پس از جنگ به آسیای میانه آمده بودند. این آدم ها بیشتر به فراخوان های مبارزه در برابر استیلای بریتانیا بر هند تمایل نشان می دادند. آوندهای مبلغان کمینترن مبنی بر این که در برابر انگلیس نه در آناتولی، بل در خاک هند مبارزه کرد، حتا بخشی از هوادارن جنبش اعاده خلافت را متقاعد ساخته بود. در این رابطه، بسیاری از اعضای این گروه از اقدامات م. روی در زمینه ایجاد «کمیته انقلابی هند» پشتیبانی می کردند.⁶

در چهارچوب «کار تدارکاتی افغانی- هندی» در زمینه انقلاب آینده در هند، کمینترنی ها همچنان در میان افغان های باشنده بخارا فعالیت می کردند. «کمیته مرکزی انقلابی افغانستان» به وجود آمده پس از سرنگونی امیر بخارا به رهبری یعقوب، در آغاز حمایت حکومت شوروی در بخارا را با این سنجش به دست آورد که اعضای آن «در آینده می توانند همچنان خدمات ارزشمندی را برای آماده سازی جنبش انقلابی در هند انجام دهند».⁷

به همین دلیل بود که یعقوب را بی درنگ برای انجام گفتگوها با م. روی نزد او به تاشکنت فرستادند که حاضر شد در ازای دریافت حمایت مالی به کمینترن خدمات سازمان خود را مبنی بر تنیدن شبکه زیر زمینی در شمال افغانستان و گرد آوری اطلاعات در شهرهای مهم این کشور پیشنهاد نماید.⁸ روشن است که این گونه پیشنهاد ارزشمند پذیرفته شد. افزون بر آن، برخی از نمایندگان رهبری شوروی ترکستان و کمینترن می پنداشتند که کمینه مرکزی انقلابی افغانستان «نقش بزرگی را در امر رهایی سازی کشور خود از امیر» بازی می نماید و افغانستان را به «انقلاب کبیر جهانی» می کشاند.⁹

هر چند دست سرنوشت نگذاشت این طرح پیاده شود، مگر با آن هم این به معنای آن نبود که دفتر ترکستان کمینترن نتوانسته بود در افغانستان پایگاه های زیر زمینی خود را ایجاد نماید. مقارن با پایان 1920 در هرات، میمنه، مزارشریف و شماری از دهکده ها و روستاهای مرزی پایگاه های کمینترن فعال بودند. همچنان یک پایگاه کمینترن در مرو و سرخس نیز فعال بود. اسناد پایگانی ها گواه بر آن اند که اجنت های

⁶. یادداشت کاری آمر بخش اطلاعات نمایندگی روسیه شوروی فراتکین «زندگی کولونی های خارجی و گروه های انقلابی در بخارا و کار کمینترن» // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 4، پرونده 20، برگ های 46-47

⁷. همان جا، برگ 47.

⁸. بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 154، پرونده 98، برگ 61.

⁹. تزه های گزارش آ. ماشیتسکی- عضو دفتر مناسبات خارجی کمیسیون ترکستان «مبارزه در راه انقلاب در بخارا»، //

بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 544، پرونده ویژه 4، پرونده 21، برگ 131

کمینترن فعالانه از شهر مرزی ترمز بهره می گرفتند. بسنده است بگوئیم که همو در این شهر کمیته مرکزی انقلابی افغانستان به میان آمده بود.¹⁰

شورای تبلیغات انترناسیونالیستی از آدم های خود در این نقاط نشیمنی بیشتر برای رسانیدن آثار تبلیغی کار می گرفت. با به میان آمدن دفتر ترکستان، تکیه بیشتری بر جمع آوری مدارک اطلاعاتی در باره اوضاع در افغانستان و هند می شد. توجه ویژه یی در این حال به اطلاعات در باره گروه های هندی یی که رهسپار ترکستان روسی می گردیدند و نیز سیاست حکومت افغانستان و در باره اجنت های بریتانیایی در میان افغان ها و ... معطوف می گردید.

روشن است ایجاد شبکه زیر زمینی کمینترن در افغانستان هزینه های سنگینی را در بر داشت. دفتر ترکستان کمینترن منابع لازم را در اختیار داشت. تنها م. روی دو میلیون روبل با پشتوانه طلا را از مسکو به تاشکنت آورده، آن را برای نگهداری به د.گوپنر- نماینده کمیساریای خلق در امور خارجی در شهر تاشکنت، سپرده بود که بی درنگ صد هزار روبل آن را برای مخارج خود تقاضا نموده بود.

او این پول ها را به دست نیاورد، چون تنها برای مصرف در گستره افغانستان و هند بریتانیایی تخصیص یافته بودند. مگر حکومت شوروی به عوض آن دو میلیون روپیه هندی را به دسترس م. روی گذاشت که به گونه عاجل از باکو به تاشکنت آورده شده بود.¹¹

این که این پول برای چه کارهایی تخصیص یافته بود، بهتر از هر کسی م. شولمان- کارمند دفتر ترکستان کمینترن توضیح داده بود. او در گزارش خود «در باره اهمیت تاشکنت چونان پایگاه انقلابی هند» نوشت: «نباید فراموش کنیم که هنگامی که ما در باره کار از طریق افغانستان سخن می گوئیم، در گام نخست و پیش از هر چیزی منظور ما قبایل «آزاد» و از طریق آن ها قلب هند است».¹²

لازم نبود به م. روی در باره لزوم سازماندهی قیام سراسری کوهنشینان نوار «آزاد» در برابر انگلیس یاد آوری شود. «طرح عملیات رزمی در مرزهای هند» او بدون پشتیبانی پویا از قبایل مرزی پشتون ناممکن بود. در این رابطه، به کشاندن پشتون ها به همکاری با کمینترن، اهمیت درجه اول داده می شد. تصادفی نبود که کارت حزبی شماره 1 حزب کمونیست هند (که به سال 1920 از سوی م. روی ساخته شده بود)، را در تاشکنت عبدالقیوم دولت خیل پشتون تبار- برادر زاده معاون کمیساریای خیبر و وزیرستان به دست آورده بود. به سال 1920 این مرد جوان در صفوف ارتش سرخ در جبهه لهستان (پولند) می رزمید که از آن جا با شتاب فراخوانده شد و به تاشکنت گسیل گردید تا در خدمت کمیته انقلابی هند یعنی م. روی قرار بگیرد.¹³

در تاشکنت م. روی با نخستین نمایندگان قبایل پشتون هند بریتانیایی که برای گرفتن کمک برای ادامه مبارزه مسلحانه با انگلیس به ترکستان آمده بودند، تماس هایی برپا داشت. در اواخر 1920 اکبر شاه پشتون با نام مستعار سلیم خان از وزیرستان نزد م. روی آمد. او همراه با وزیری ها در آخرین جنگ

¹⁰ گزارش شماره 13 ی. میخایلف- آمر مرکز تخته بازار شورای تبلیغات انترناسیونالیستی به دفتر ترکستان کمینترن // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 544، پرونده ویژه 4، پرونده 1، برگ 33؛ گیلنس، و.م. ص. 62، بویکو، روسیه شوروی و گروه های چپ رادیکال افغانی اوایل سال هاسی دهه 1920// آنال ها، مسکو، 1995، چاپ دوم، ص 77

¹¹ نامه م. روی به قره خان شماره 60 بدون تاریخ) // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 18، برگ 8. نویسنده تعجب می نماید که که «رفقای باکوئی» با چه سبک نگری یی دو میلیون روپیه را به دسترس م. روی گذاشته بودند و گذشته از آن پوزش هم خواسته بودند که بیش از این ندارند.

¹² بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 3، برگ 75.

¹³ نگاه شود به: بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 213، پرونده 243.

افغان و انگلیس به هواداری از سپاهیان امان الله خان می‌رزمید.¹⁴ هدف اصلی دیدار اکبر شاه دیدار با و. ای. لنین بود تا از رهبر شورای کمیسارهای خلق خواستار «حمایت مادی و معنوی برای وزیری‌ها» گردد.¹⁵

م. روی بی‌درنگ اکبر شاه را به مسکو گسیل داشت و نامه‌ی دست‌او‌عنوانی ل. قره‌خان فرستاد. مگر سفر اکبر شاه نافرجام به پایان رسید: به دلایل نامعلومی همه خواهش‌های او رد گردید.¹⁶ به گمان غالب رهبران شوروی و کمینترن در مسکو بر پیاده‌سازی پلان م. روی تکیه داشتند و نمی‌خواستند پیش از وقت منابع مادی را در حمایت از وزیری‌ها به‌پا خاسته به هدر بدهند.

در ماه نوامبر 1920 در پی اکبر شاه، فرستادگان نوی از قبایل «آزاد» به تاشکنت رسیدند. این هیات ده نفری را محمد اقبال و عبدالحق رهبری می‌کردند. عبدالحق از م. روی وظیفه گرفت تا پویایی‌های ضد بریتانیایی را در میان پشتون‌های نوار «آزاد» به راه اندازد. برای این مقصد به عبدالحق یک هزار چرونس (اسکناس بانکوت) ده روبلی (تزاری و برابر با 25 هزار روپیه هندی سکه‌های نقره‌ی افغانی) داده شد. از روی اسناد دفتر ترکستان کمینترن و سفارت شوروی در کابل بر می‌آید که عبدالحق باید پیاده ساختن وظایف خود را از باجور آغاز می‌نمود- جایی که کمینترن توانسته بود مرکز زیرزمینی بی‌را ایجاد نماید.

به تاریخ 25 نوامبر 1920 اقبال و عبدالحق با همراهان خود از تاشکنت به افغانستان رفتند. به تاریخ یکم فیبروری 1921 آن‌ها به کابل رسیدند- جایی که عبدالحق پویایی پرشوری را در میان سیاستمداران افغانی به راه انداخت. او توانست نزد امان الله خان باریاب گردد و نامه‌های رد و بدل شده میان خود و روی را به دسترس او بگذارد و اطلاعات خود را در باره فعالیت‌های دفتر ترکستان با او در میان بگذارد. او کوشید امیر را بترساند که روسیه شوروی در پی تدارک کودتای مسلحانه به مقصد سرنگونی او است. عبدالحق به همین روحیه به گمان غالب با سپهسالار نادر خان که قبلاً اقبال را زیر حمایت خود قرار داده بود، به گفتگو پرداخت.

در یک سخن، فرستاده م. روی به پایتخت افغانستان به گونه غیرمنتظره برای رفقاییش و نیز سوریتس با همه توان آغاز به زیان‌رسانیدن به پویایی‌های ضد بریتانیایی کمینترن در افغانستان و در میان قبایل «آزاد» پشتون هند بریتانیایی نمود. محسوس‌ترین ضربه بر اقبال و همراهانش این بود که عبدالحق آن‌ها را از منابع مالی برای کار در میان قبایل مرزی محروم ساخت. او با گرفتن همه طلاها ناگهان کوشید به هند بریتانیایی بگریزد. مگر از سوی حکومت افغانستان دستگیر شد که نامه او عنوانی گران‌ت هامیلتون-کمیسار انگلیسی استان شمال باختری مرزی را به دست آورد. عبدالحق در پیام خود به هامیلتون نوشته بود که «از تاشکنت با اطلاعات بس ارزشمندی می‌آید» و خواهش کرده بود تا به او اجازه عبور از مرز هند و افغانستان را بدهد.¹⁷

¹⁴. نامه م. روی به قره‌خان، تاریخی 2.11.1920 // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 68، برگ 5. همچنان اسناد تاریخ حزب کمونیست هند، جلد 1، دهلی نو، 1972 ص. 222، به زبان انگلیسی.

¹⁵. نامه سازمان‌های انقلابی هند ساکن «یاغستان» عنوانی صدر روسیه شوروی با ارایه تاریخچه‌های این سازمان‌ها و خواهش‌های آنان مبنی بر ارایه کمک‌های مادی و معنوی، تاریخی اگوست 1920، // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 1، برگ 33.

¹⁶. بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 98، برگ 58.

¹⁷. مدارک پرونده عبدالحق // نامه م. روی به قره‌خان، تاریخی 2.11.1920 // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 35. برگ‌های 16-19، محرمانه و سر به مهر بودن بایگانی‌های کمینترن منجر به آن گردیده بود که بسیاری از پژوهشگران شوروی از عبدالحق به عنوان جاسوس انگلیس، بل به عنوان یک انقلابی راستین هندی نام ببرند.

سر از این لحظه بر همه روشن گردید که عبدالحق جاسوس انگلیس است. سرنوشت او در افغانستان به آسانی قابل پیش بینی بود: کشته شدن به دست دژخیم. مگر بر شوروی ها لازم بود بدانند که عبدالحق چه اطلاعاتی را به انگلیسی ها داده بود. در این رابطه، سوریتس از طرزی خواهش کرد تا او را واپس به تاشکنت گسیل دارند تا بازپرسی مفصلی از پویایی هایش صورت گیرد. روشن است جانب شوروی حاضر بود پس از انجام بازپرسی عبدالحق را دو باره به افغانستان تحویل دهد. مگر همه تقاضاهای سوریتس از سوی طرزی رد گردید. امان الله خان موافقت نکرد تا بازپرس شوروی در زندان دهمزنگ از جاسوس انگلیس بازپرسی نماید. امیر همچنان به وعده خود مبنی بر گذاشتن پرونده تحقیق عبدالحق به دسترس سفارت شوروی در کابل، وفا نکرد.

پس از یک سال جاسوس انگلیس در زندان کابل کشته شد¹⁸. روشن است با کشته شدن او نه تنها تقاضاهای سوریتس پایان یافت، بل نیز پرونده مسترد ساختن طلاهایی که هنگام بازداشتش از نزد او ضبط شده بود، بسته شد. شکست ماموریت جاسوس انگلیس همه چیز را به جای خود نشاند و اوضاع پیرامون اقبال در کابل عادی شد.

آنچه مربوط به اقبال می گردد، او حتا موفق گردید گفتگوهایی را با نمایندگان قبایل پشتونی که به کابل آمده بودند، انجام دهد. برای ادامه پویایی در نوار «آزاد» سوریتس وعده سپرد به اقبال مبالغ جدیدی بدهد. عمده ترین چیز: مرکز باجور کمینترن در هم کوبیده نشده و کماکان فعال بود. چنین بر می آید که عبدالحق می خواست شخصا اطلاعات ارزشمند به دست آورده در زمینه را به نمایندگان بریتانیا برساند. مگر فرصت نیافت این کار را انجام دهد. چون از سوی افغان ها بازداشت شد. به رغم این، هر چه بود، یکی از برنامه های کمینترن در هند با ناکامی و شکست رو به رو شد. ماجرای عبدالحق به صفحات رسانه های هندی بازتاب یافت که پس از آن دیگر روشن بود هیچ حرفی مبنی بر فعالیت های اقبال و همراهانش در میان پشتون ها نمی توانست در میان باشد.

یک تلاش دیگر م. روی در زمینه حمایت از جنبش مقاومت قبایل «آزاد» نیز با شکست رو به رو گردیده بود. هر چند هم به دلیل دیگری. از بلوچستان دو خان با خواهش کمک در مبارزه ضد هند نزد م. روی آمدند. در دفتر ترکستان بی درنگ به آن ها نام های خانوادگی روسی شده دادند. همین بود که در اسناد کمینترن آن ها را به نام برادران «مصری خانف» یاد می نمودند.

م. روی مبالغ هنگفت پول و سکه های طلایی و نقره بی را به دسترس این خان ها گذاشت و همچنان مقادیری جنگ افزار به آنان داد. افزون بر این، به آنان نامه هایی محرم و معرفی خط هایی برای پایگاه های تیمی داده شد که باید در افغانستان و هند از آن کار می گرفتند. برادران مصری خانف را از طریق پامیر گسیل داشتند. چنین بر می آید که چنین مسیر دور و دراز، بنا به ملاحظات امنیتی گزیده شده بود. آن ها بی درد سر و چنانی که می گویند، «بیخار» به بدخشان افغانی رسیدند. مگر پس از آن، اوضاع طبق برنامه کمینترن پیش نرفت. برادران مصری خانف بخش چشمگیر پول اسلحه و نامه های محرم به دست آورده از م. روی را به والی بدخشان دادند.

برادر بزرگ برای امیر نامه گزارشی بی در چهارده صفحه در باره مدت حضور شان در تاشکنت نوشت. افزون بر آن، سوگند نامه بی به امان الله خان فرستادند که در آن آمده بود که هیچ وجه مشترکی با «سازمان انقلابی هند» ندارند.¹⁹

¹⁸ تلگرام سوریتس به نمایندگی کمیساریای خلق در امور خارجی در تاشکنت تاریخی 1921/6/6، // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 35، برگ های 20-21؛ تلگرام راسکلنیکف- سفیر شوروی در کابل به چیچیرین تاریخی 6.6.1922 // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 78، برگ 18.

¹⁹ یادداشت گزارشی کارمند دفتر ترکستان کمینترن م. شولمان «برخی فاکتور های اطلاعاتی در باره کار در هند» // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 3، برگ 85.

ناکامی دیگر کمینترن ثابت ساخت که سران قبایل پشتون [و بلوچ-گ.] حاضر اند از هر کسی که باشد برای ادامه مبارزه مسلحانه در برابر انگلیس کمک بگیرند. مگر با روسیه شوروی و کمینترن به خاطر « انقلاب افسانه‌ی هند» همکاری نخواهند کرد. همچنان بایسته است خاطر نشان ساخت که در آن هنگام سران سرشناس قبایل پشتون به گونه مدلی امان الله خان را حامی اصلی و متحد خود در برابر انگلیس می‌پنداشتند. از همین رو نمی‌خواستند بدون آگاهی وی کدامین عملیات پنهانی را در گستره افغانستان راه بیندازند.

البته، در پرونده هندی دفتر ترکستان تنها شکست های پیهم نبود. کمینترن موفق شده بود تماس هایی با کمیته «رهروان جهاد» که در میان مسلمانان هند بسیار معروف بود- یعنی وهابیون برپا نماید. مقر آنان چندین دهه در روستای کوهستانی چمرکند واقع بود. به سال 1919 محمد یاسین- نماینده وهابیون به کابل آمد و با دیپلمات های شوروی تماس گرفت و پس از آن به تاشکنت رفت و از کمینترن برای سازمان خود کمک گرفت. در ازای آن، وهابیون توافق نمودند به کمینترن در پخش پروپاگاندا های ضد بریتانیایی در میان قبایل پشتون کمک نمایند.²⁰

در ماه دسامبر 1920 هفت نفر هندوستانی از طریق شهر سرخس ایران به گستره قبایل پشتون رخنه نمودند. به گمان غالب این ها نمایندگان «کمیته رهروان جهاد» بودند. از سوی ستاد ارتش یکم برای آنان هفت میل تفنگ انگلیسی و 900 گلوله، سه قبضه تیربار و یازده قبضه تپانچه هفت تیر داده شده بود.²¹

هرچه بود، به یاری وهابیون، کمینترن توانست (هر چند هم با دشواری های بزرگ)، مواضع خود را در نوار «آزاد» قبایل پشتون تحکیم بخشد.

این گونه، هنگام تجزیه و تحلیل مواد و مدارک دفتر ترکستان آشکار می‌گردد که برای ایجاد «پایگاه انقلابی هند» در ترکستان از سوی حکومت شوروی از طریق کمینترن منابع بزرگ مالی و مادی تخصیص داده شده بود. به مقصد آماده سازی کادر های فرماندهی برای «ارتش انقلابی» مورد نیاز برای تجاوز به هند بریتانیایی در تاشکنت آموزشگاه ویژه نظامی گشایش یافت. همزمان با آن تلاش های فعالانه بی مبنی بر برپایی تماس ها، گسیل اجنت ها، اسلحه، پول و مواد تبلیغاتی به گستره پشتون انجام شد.

کمینترن در اواخر سال 1920 به یاری همکاری با ناسیونالیست های خاوری، چند مسیر برای گسیل عمال و ماموران اطلاعاتی خود به هند در اختیار داشت. مگر عملی ساختن موثر این کار از ترکستان میسر نبود. هم به دلیل دوری مسافه از هند و هم به خاطر مخالفت افغانستان و هم به خاطر پویایی سازمان اطلاعات بریتانیا.

بیشتر فرستادگان اندک شمار قبایل پشتون که تا تاشکنت می‌رسیدند، دیر یا زود به ساحه دید استخبارات انگلیس که در ترکستان شبکه گسترده اطلاعاتی داشت، می‌افتادند. افرون بر این، تنها شمار اندکی از پشتون ها به همکاری با کمینترن موافقت می نمودند. چون میان «جهاد در برابر انگلیس در هند» و «انقلاب سوسیالیستی در هند» گسل و شیار بزرگی بود.

کمینترن در روند کار ناگزیر بود، رفته، رفته کار با ناسیونالیست های خاور زمین را بیاموزد و فرا گیرد و راهکار خود را با توجه به اوضاع راستین ویرایش نماید. نه این که درگیر جزم های باوری و طرح های خیالی گردد.

²⁰. بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 3، پرونده 105، برگ 145.

²¹. بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 544، پرونده ویژه 4، پرونده 60، برگ 41.

بخش یازدهم کارروایی های مرکز زیر زمینی کابل

فعالیت های ضد انگلیسی در نوار «آزاد» هند بریتانیایی را ممکن بود تنها از خاک افغانستان به گونه موثر و تا جایی ایمن انجام داد. در مسکو و تاشکنت این موضوع را به خوبی می دانستند. از همین رو، م. روی تا آخر در پی آن بود که تا از حکومت افغانستان اجازه ایجاد مرکز انقلابی در کابل را به دست بیاورد.

حکومت افغانستان با آرزومندی به دست آوردن جنگ افزارها و طلای روسی، چنین وانمود می ساخت که حاضر است دهلیزی را به سوی مرزهای هند بگشاید. این حکومت بر آمدن م. روی به کابل و به آوردن جنگ افزار به افغانستان برای قبایل پشتون (مگر نه به رسانیدن آن به نوار «آزاد») موافقت کرد. این فریب به آن پیمانانه آشکار و بی پرده بود که رهبری شوروی و کمینترن نتوانستند تصمیم بگیرند اسلحه در اختیار جانب افغانی برای توزیع آتیه آن در میان قبایل مرزی بگذارند.

به رغم اوضاع پدید آمده ناشی از برپایی مناسبات دیپلماتیک میان مسکو و کابل و نیز همچنان جو کلی حاکم تنفر از انگلیسی ها، برای ادامه پویایی های ضد بریتانیایی در این کشور و در هند تلاش هایی ورزیده می شد. در این رابطه، کمینترن (زیر کنترل فزاینده کمیساریای خلق در امور خارجی) مساعی خود را برای ایجاد یک مرکز زیر زمینی در کابل برای حمایت از قبایل شورشی پشتون مرزی و نیروهای ضد بریتانیایی در هند، متمرکز می گردانید. برای عملی نمودن این طرح دشوار، بنا به رهنمود م. روی، به تاریخ 5 جنوری 1921 محمد علی (که تقدیر بود نخستین جاسوس کمینترن در کابل گردد)، از راه کوشکا به کابل آمد.

بایسته است خاطر نشان سازیم که رهبری دفتر ترکستان گزینش شایسته یی کرده بود. چون مناسب تر از محمد علی برای این کار خطیر زیر زمینی در هند و افغانستان کس دیگری در میان پیرامونیان م. روی نبود. این مرد جوان تجربه بزرگ بریتانیا ستیزی داشت که در سال های جنگ جهانی اول به دست آورده بود. علی همچنان روابط خوبی با دولتمردان و گردانندگان افغانستان داشت. چون یکی از دبیران «حکومت موقت هند» مورد حمایت امان الله، به شمار بود. همچنان روابط گسترده علی در میان مهاجران هندی در کابل اهمیت بزرگی داشت. در یک سخن، کمینترن، اجنت بس مجربی را به کابل گسیل داشته بود که اوضاع را هم در افغانستان و هم در گستره شمال باختری هند نیک می دانست.

محمد علی در پیوند تنگاتنگ با سفارت شوروی در کابل، می بایست یک رشته وظایف مهم کمینترن را انجام می داد که به رغم امکانات بس بزرگ رزدنت کمینترن در افغانستان، انجام آن بسیار دشوار بود و نیازمند منابع بزرگ و زمان. بی پرده تر بگوییم بر محمد علی بود تا در «دهلیز افغانستان» شبکه زیر زمینی خبر چینی را پهن سازد که می بایستی کار انقلابی را با پویایی های اطلاعاتی- ویرانگرانه در برابر بریتانیای کبیر در هم بیامیزد.

برای سرعت بخشیدن به برپایی پیوندهای استوار میان کمینترن و سازمان های ضد بریتانیایی در هند، به محمد علی فرمان داده شد، پنهانی گسیل رهبران جنبش رهایی بخش ملی هند به روسیه شوروی را سازماندهی کند. روی برنامه ریزی می کرد با مشارکت آنان کنگره سرتاسری انقلابی هند را در تاشکنت برگزار نماید. محمد علی در پهلوی آن، می بایست گام هایی بر می داشت برای ایجاد «حزب سراسری انقلابی هند» و ریختن نخستین هسته های کمونیستی در بزرگترین شهرهای هند.²²

²² دستور العمل برای کابل برای رفیق محمد علی // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 2، برگ 12.

افزون بر این، جاسوس کمینترن در کابل از دفتر ترکستان کمینترن یک رشته وظایف را به مقصد تنیدن شبکه جاسوسی در افغانستان و هند برای گرد آوری اطلاعات جاسوسی و قاچاق اسلحه روسی به نوار «آزاد» قبایل پشتون به دست آورد. برای این کار به محمد علی رهنمود داده شد آمدن «کارمندان مسول» را از هند به تاشکنت برای دیدن آموزش های سیاسی و نظامی سازمان دهد. به گمان غالب، «کورس های همه اقسام اسلحه برای فرماندهان هندی» می بایستی به پایگاهی برای این چنین «آموزش های ویژه» مبدل می گردید.

م. روی توجه به ویژه خاصی به برپایی همکاری با قبایل مرزی پشتون که در نظر بود نمایندگان آنان از راه پامیر و بدخشان رهسپار تاشکنت گردند، مبذول می داشت. محمد علی می بایستی به رهبران پشتون اطلاع می داد که «می توانند در آن صورت اسلحه به دست آورند که هرگاه در وضعی باشند که بتوانند آن را پنهانی از راه کوهستان ها و کوره راه های کوهی افغانستان ببرند».²³

به محمد علی رهنمود داده شده بود به کمک کوهنشینان نوار «آزاد» نه تنها رسانیدن جنگ افزارها را به هند بریتانیایی سازماندهی نماید، بل نیز در نواحی کوهستانی بیرون از کنترل اداره انگلیس، چاپخانه کمینترن را برای چاپ و پخش آثار انقلابی در میان باشندگان ایجاد نماید. برای تحقق این برنامه ها دفتر ترکستان کمینترن به محمد علی آزادی عمل چشمگیر و حق ویرایش اجنتوری کمینترن از جمع ناسیونالیست های خاوری در نواحی در امتداد مرزهای هند و افغان را داده بود. او همچنان از طریق سفارت شوروی در کابل برای پویایی های خود منابع چشمگیری از طلا و ارز انگلیسی به دست می آورد.

صلاحیت های بسیار، پویایی های پرشور، مگر احتیاط آمیز و خویشتندارانه ضد بریتانیایی در کابل، و نیز در دست داشتن منابع چشمگیر مالی از محمد علی در سال های 1921-1922 مهره مرکزی و کلیدی همه کارروایی های کمینترن در «دهلیز افغانستان» ساخته بود. در این پیوند، در نامه های رمزی سفارت شوروی در تاشکنت و مسکو او به نام مستعار «بوس» یاد می شد.

برای بازپرداز تصویر دقیق تر آغاز پویایی های محمد علی در کابل، بایسته است خاطر نشان شد که او توانسته بود مناسبات بسیار خوبی کاری با سوریتس که نماینده کمینترن در آسیای میانه بود و رهبری مستقیم و بلافصل فعالیت های او را به دوش داشت، برپا نماید. لیکن در اوایل محمد علی در نقش نوکر دو بادار برآمد نموده بود که هم از م. روی و هم از سوریتس دستور می گرفت. سوریتس نمی خواست آرزوهای انقلابی م. روی کار عملی ضد بریتانیا را در افغانستان و هند برهم بزند. کنترل پیوسته حکومت افغانستان بر پویایی های سفارت شوروی و جاسوسی پویای انگلیسی ها در کابل سفیر شوروی را ناگزیر ساخت، با کمال خویشتنداری عمل نماید. در این رابطه، جاسوس کمینترن یکسره زیر کنترل کامل سوریتس درآمده بود.

بازگشت محمد علی به افغانستان و از سرگیری کار وی در میان مهاجران هندی (هرگاه بازداشت کوتاه وی را در هرات در نظر نگیریم)، بدون کدامین دشواری صورت گرفت.²⁴

جاسوس کمینترن با آمدن به کابل، بی درنگ به خانه [مولوی-گ.] عبیدالله [سندی-گ.]- وزیر پیشین کشور «حکومت موقت هند» که در آن هنگام روابط نیکی با حکومت افغانستان داشت، رفت و در آن جا پایید. عبیدالله به کارمندان امیر تضمین نمود که محمد علی «به پخش پروپاگاند کمونیستی در افغانستان نخواهد پرداخت»²⁵. چیزی که برای مدت درازی امنیت و زمینه خوب برای کار را برای او تضمین

²³ همان جا

²⁴ بایگانی مرکزی خدمات فدرال امنیت، پرونده آر-41036، برگ 16.

²⁵ گزارش راسکلنیکف در باره کار هند، از تاریخ یکم اگست تا دهم سپتامبر 1921، // بایگانی سیاست خارجی فدراسیون

روسیه، فوند 090، سال 1921، پزونده ویژه 4، کارت 2، برگ 269.

نمود. روشن است بهای حمایت عبیدالله سخاوتمندانه و با توجه به شیوه کار محمد علی به گونه ظریفانه بی پرداخت گردید.

با توجه به این فاکت ها می توان باورمندانه انگاشت که [مولوی عبیدالله سندی-گ.] وزیر پیشین [حکومت موقت هند-گ.] «عامل نفوذ» شوروی در کابل گردیده بود. در عمل، جلب عبیدالله از سوی محمد علی، نخستین پیروزی بزرگ این جاسوس کمینترن در کابل بود. عبیدالله هنوز هنگام کار در حکومت موقت هند روابط تنگاتنگی با قبایل نوار «آزاد» و وهابیون داشت. رفته، رفته، این پیوندها در هند از سوی عبیدالله به محمد علی واگذار گردید.

افزون بر این، عبیدالله با سپهسالار نادر خان که هوادار پشتیبانی فعال از مبارزه ضد بریتانیایی پشتون های استان شمال باختری مرزی هند بود، دوستی داشت. نادر خان در میان سران قبایل مرزی از اتورپته بزرگی برخوردار بود و از اوضاع در مرزهای هند و افغانستان بسیار نیک آگاهی داشت. محمد علی به گمان غالب به کمک عبیدالله اطلاعات ارزشمندی را در باره اوضاع در گستره قبایل پشتون و روند اقدامات رزمی کوهنشینان با سپاهیان بریتانیایی به دست آورده بود.

سر از میانه های تابستان 1921 فعال ترین دوره در پویایی محمد علی در افغانستان فرا رسید. مقارن با این زمان، به جای سوریتس در کابل ف. راسکلنیکف گماشته شد که دستور مسکو را مبنی بر ادامه کار پنهانی در زمینه برپایی پیوندهای استوار با هند به شمول پشتیبانی از قبایل جنگنده پشتون در دست داشت. بنا به سنت موجود، سفیر نو شوروی همزمان به عنوان نماینده کمینترن در کابل گماشته شده بود.²⁶ در مسکو کماکان امیدوار بودند که به یاری گسترش کارهای زیر زمینی، پویایی های ضد بریتانیایی استخبارات شوروی و کمینترن در افغانستان ادامه یافته و گسترش خواهد یافت. در این حال، رهبری بلشویکی از این کار (بی پروا به آن که در آن برهه از ماه مارچ 1921 د- فاکتو با انگلیس روابط دیپلوماتیک برپا گردیده بود)، خمی به ابرو نمی آورد. «جنگ پنهانی» در آسیای میانه ادامه داشت: بریتانیا از جنبش باسماچیان پشتیبانی می کرد و روسیه شوروی به نوبه خود آماده بود از مبارزه مسلحانه پشتون ها برای بی ثبات سازی اوضاع در هند بهره برداری نماید.

تابستان 1921 اوضاع در گستره قبایل پشتون آشکارا به سود نیروهای ضد بریتانیا نبود. به دلیل خشکسالی شدید در بسیاری از نواحی آزد حاصلات و مواسی تقریباً کاملاً نابود شده بودند. در این اوضاع راسکلنیکف ناگزیر گردید عاجل به عبدالرزاق کمک مالی نماید برای آن که «هسته رزمی را در نوار قبایل نگهدارد».²⁷ برای رهبر وزیری ها 15000 روبل با پشتوانه طلا فرستاده شد.

در ماه اگست 1921 هنگامی که بیهودگی تلاش های مبنی بر نگذاشتن افت پویایی های اقدانت رزمی در نوار «آزاد» هند بریتانیایی روشن گردیده بود، راسکلنیکف طرح م. روی را در زمینه ایجاد مرکز زیر زمینی که می بایستی پویایی دیگر مراکز فعال ضد بریتانیایی در نواحی مرزی شمال باختری هند بریتانیایی را هماهنگ می ساخت، تایید کرد. راسکلنیکف مهم ترین وظیفه «مرکز پنهانی» را ایجاد «دستگاه مطمئن روابط در هند و سپس با روسیه از طریق پامیر می پنداشت».²⁸

جاسوس کمینترن در افغانستان (محمد علی) به راسکلنیکف پیشنهاد نمود تا در باجور یا زمین های مومندها «مرکز» نوی را سازماندهی کند که (با فتوای روحانیون بومی!) زیر پوشش انجمن رسمی فرهنگی و معارف با چاپخانه و مکتب فعالیت کند. وظیفه این مرکز عبارت بود از:

²⁶ پروتکل نشست دفتر کوچک کمیته اجرایی کمینترن // تاریخی 5.04.1921 // کمینترن و ایده انقلاب جهانی، مسکو،

1998، ص. 247.

²⁷ گزارش راسکلنیکف در باره کار هند از تاریخ 1 اگست تا ده سپتامبر 1921، پرونده ویژه 4، کارتن های 2 و 271.

²⁸ همان جا.

- 1- گسترش تبلیغات در میان قبایل پشتون
- 2- برپایی کانال های مطمئن ارتباط میان کابل و هند
- 3- «جستجوی راه های مطمئن به سوی روسیه از طریق گستره قبایل آزاد منهای افغانستان»²⁹
- 4- چاپ آثار تبلیغی برای پخش در هند
- 5- در صورت لزوم سازماندهی ترور در هند».

محمد علی از نماینده کمینترن در افغانستان- راسکلنیکف خواهش کرد برای سه ماه نخست برای این مقاصد، ده هزار روپیه تخصیص دهد.³⁰

بیشتر از این مبلغ، محمد علی برنامه ریزی نمود 12000 روپیه دیگر را به شکل سوبسایدی سالانه به رهبری «کمیته رهروان جهاد» (وهابیون) بدهد. جاسوس کمینترن تحقق طرح خود را بدون همکاری تنگاتنگ با این سازمان بس با نفوذ در گستره قبایل پشتون، تصور نمی توانست. در این رابطه، سر از 1921 «کمیته رهروان جهاد» ماهانه سوبسایدی یی به میزان یک هزار روپیه دریافت می نمود. روشن است این مبلغ، رهبری این سازمان را اقناع نمی نمود و به همین سبب بود که به عبدالعزیز- نماینده کمینترن که در اواخر 1921 آمده بود، اجازه ندادند در چمرکند کمیته انترناسیونال سوم را ایجاد نماید. افزون بر آن، به خاطر رفتار خصمانه با عبدالزیز، وی ناگزیر گردید، به روستای سید آشای باجور برود. این بود که پرداخت سوبسایدی به وهابیون از سوی کمینترن برای چندی قطع گردید.

در ماه فبروری 1922 فضل الهی- سرپرست «کمیته» بار دیگر محمد یاسین را به کابل فرستاد تا نامه رهبر وهابیون را که در آن برای همکاری ابراز امیدواری شده بود، به راسکلنیکف بسپارد. افزون بر این نامه، راسکلنیکف از فضل الهی نامه توصیه یی از سوی شماری از سیاستمداران هندی و رونوشت دست نویس موافقتنامه یی را که به سال 1915 «کمیته» با نمایندگان آلمان در کابل به امضاء رسانیده بود، به دست آورد. این سند گواه بر آن بود که آلمان در سال های جنگ جهانی یکم تعهد سپرده بود منابع هنگفتی را به این سازمان برای برانگیختن قیام مسلحانه ضد بریتانیایی در گستره قبایل پشتون، پرداخت نماید.³¹ رونوشت این قرار داد می بایستی نه تنها نمونه یی برای تدوین شرایط نو همکاری میان کمیته وهابیون و کمینترن می گردید، بل نیز چنین بر می آید که برای برائت گرفتن از ماجرای عبدالعزیز بود. هر چه بود، آرزومندی کمینترن در بهره گیری از امکانات وهابیون برای کار زیر زمینی در هند بریتانیایی، منجر به از سر گیری همکاری گردید.

به گونه یی که رخدادهای سال های آینده نشان دادند، کمینترن نه تنها تمویل مرکز چمرکند را افزایش داد، بل که نیز خردورزانه تر اهداف و وظایف خود را در برابر گردانندگان آن تدوین کرد. رسیدن مولانا بشیر- یکی از گردانندگان کمیته رهروان جهاد (پیشوای شناخته شده در مبارزه قبایل وزیرستان در برابر بریتانیای کبیر) به کابل، به از سر گیری تماس ها میان سفیر شوروی و کمیته مساعدت کرد. راسکلنیکف با نادیده گرفتن کمونیسم ستیزی آشکار بشیر، به او 5000 روبل با پشتوانه طلا پرداخت و در باره روابط آینده با وی به تفاهم رسید.³² بشیر در ماه اپریل 1922 به چمرکند رفت.

کمینترن رفته رفته به کمک وهابیون آغاز به راه اندازی کار بر ضد بریتانیا در میان قبایل پشتون نمود. برپایی همکاری با وهابیون چمرکند، یگانه اپیزود در پویایی کمینترن در افغانستان نبود. بهره گیری

²⁹ یادداشت گزارشی محمد علی «در باره قبایل مرزی» // بایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند 090، 1921، پرونده ویژه 4، کارتن های 2 و 7، برگ 275.

³⁰ همان جا.

³¹ مدارک در باره «کمیته رهروان جهاد»، برای به دست آوردن آگاهی های بیشتر نگاه شود به: بایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند 090، پرونده ویژه 3، کارتن های 2 و 7.

³² گزارش راسکلنیکف در باره کار هند از تاریخ 1 دسامبر 1921 تا یکم ماه می 1922، فوند 544، پرونده ویژه 3، کارتن 105، برگ 271.

ابزاری از احزاب ناسیونالیستی، جوامع پنهانی و سران شناخته شده قبایل بریتانیا ستیز در برابر انگلیس سر از 1921- پدیده عادی در کار ساختارهای کمیترنی و استخبارات شوروی در آسیای میانه مبدل گردیده بود. راستش در این حال، مسایل گرد آوری اطلاعات، سبوتاژ و عملیات ویرانگرانه در پشت جبهه سپاهیان انگلیسی به وظایف تاخیر ناپذیر مبدل گردیده بود و تبلیغات کمونیستی در میان رنجبران خاور زمین به جایگاه دوم رفته بود.

قبایل جنگجوی پشتون آماده بودند از هر دشمن انگلیس کمک بگیرند و با تفنگ در دست، سرسختانه در برابر «انگریزی ها» برزمند. مگر با پایمردی، باور به سنت های خود و اسلام را نگه می داشتند. کمیترن ناگزیر گردیده بود به خاطر دستیابی به اهداف عملی، برای چندی موازین ایدئولوژیکی را قربانی نماید. مثال روشن پیشبرد این گونه تاکتیک ها در زندگی، برپایی کنترل کمیترن بر پویایی کمیته کابل حزب «کنگره ملی هند» بود. یگانه نمایندگی کنگره ملی هند در خارج که در سال 1921 در کابل ایجاد گردیده بود، از لحظه پدید آبی چونان سرپوش مناسبی برای پویایی های اجنت های کمیترن در افغانستان گردیده بود.

برای مثال، رییس کمیته کابل- داکتر نور محمد همزمان نماینده کنگره ملی هند و کمیته خلافت در خارج شمرده می شد. به او محمد علی به گمان غالب وعده داده بود «نمایندگان رسمی سازمان های انقلابی هند را به روسیه به کمیترن دعوت نماید».³³ هر چند داکتر نور خود می کوشید با سفارت شوروی و راسکلنیکف تماس هایی تنگاتنگی نداشته باشد. مگر همکاران بسیار نزدیک او تقریباً متشکل از عمال کمیترن بودند. در ترکیب کمیته کابل کنگره هند، عبیدالله که سخاورزانه از سوی محمد علی تمویل می شد، اقبال که قبلاً در باره او در رابطه با پویایی های عبدالحق نگاشتیم و ظفر حسن [(آبییک-گ.)]³⁴ که از سوی محمد علی جذب شده بود، شامل بودند.

در ماه جنوری 1922 محمد شفیق- دبیر حزب کمونیست هند پی ریزی شده از سوی م. روی در تاشکنت به آنان پیوست و فعالانه به کارهای زیر زمینی پرداخت.³⁵ با آمدن شفیق پویایی زیر زمینی کمیترن در میان نمایندگان قبایل مرزی پشتون به پیمانانه چشمگیری افزایش یافت. شفیق با توجه به نداشتن امکانات برای رفتن به هند به دلیل ممانعت حکومت افغانستان در کابل، «حزب ملی سرحد» را پیریزی کرد که برنامه آن- آزاد سازی پشتون های نوار آزاد» و نیز هند را از تسلط بریتانیا در بر داشت. کار حزب ملی سرحد به گونه حتمی همکاری با نمایندگان حکومت افغانستان را برای به دست آوردن آزادی قبایل از «سلطه انگلیس» به یاری آنان در نظر داشت. در این پیوند، برنامه حزب ملی سرحد برای تأیید به امان الله خان فرستاده شد- چیزی که ناخوشنودی راسکلنیکف را بر انگیخت. نماینده کمیترن در افغانستان دادگرانه می پنداشت که اهداف کمینرن و دولت افغانستان در گستره قبایل باهم همخوانی ندارند. در این باره به کمیته اجرایی نوشته بود: «با کار انقلابی در میان قبایل «آزاد»، کشور شاهی افغانستان اهداف امپریالیستی مداخله جویانه را تعقیب می کند، در حالی که هدف ما دستیابی به آزادی واقعی هند و قبایل است. گذشته از آن، در این مورد نمی تواند پنهانی تضمین داده شود و در صورت دگرگونی سیاست افغانستان، همه ما را تسلیم انگلیسی ها خواهند نمود».³⁶

³³ گزارش راسکلنیکف در باره کار هند از تاریخ 1 اگست تا ده سپتامبر 1921، بایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند 090، سال 1921، پرونده ویژه 4، کارتن های 2، 7 و 269.

³⁴ ظفر حسن آبییک در پاییز زندگانی خاطرات خود را به چاپ رسانید که به قلم دانشمند گرانمایه آقای فاضل ترجمه و زیر نام «افغانستان از سلطنت امیر حبیب الله خان تا صدرات سردار محمد هاشم خان» در دهلی نو از سوی انتشارات «پامیر» به چاپ رسید-گ.

³⁵ دیواتکینات. ف، ایگوروا. م. ن، میلنیکف. آ. م، پیدایش جنبش کمونیستی در هند، مسکو، 1978، ص. 157.

³⁶ گزارش راسکلنیکف به کمیته اجرایی کمیترن تاریخی 10.11.1922 // بایگانی دولتی تاریخی اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 68، پرونده 63، برگ 15.

راسکلنیکف بنا به همین ملاحظات از بررسی کدامین مسایل با حزب ملی سرحد در باره کار باهمی در میان قبایل پشتون هند بریتانیایی در هند خود داری ورزید و سر باز زد. شفیق با ناکامی در جلب و جذب توجه راسکلنیکف به حزب ملی سرحد، روابط خود با این سازمان را برید و پول های کمینترن را برای تدارک اقدامات ویرانگرانه در برابر انگلیس در هند هزینه کرد. در کابل او توانست کارشناسی را پیدا کند که در ازای 500 پوند بیست بمب ساخت که قطعات آن همراه با آثار تبلیغی به شهر پیشاور برده شد. شفیق 500 پوند دیگر را برای مخارج ترانسپورتی هزینه کرد. به این پیمانانه مخارج گزاف او را نگران نمی ساخت و او از راسکلنیکف پی در پی پول می خواست.³⁷

پویایی های خود سرانه شفیق- یکی از کمونیست های نخستین هند که نمی خواست عملا از دستورهای راسکلنیکف اطاعت کند، نسبتا به زودی پایان یافت. پس از شکواییه های سفیر شوروی، او را از کابل فرا خواندند و سپس به هند گسیل داشتند- جایی که او در پیشاور از سوی پلیس انگلیس بازداشت شد و تا سال 1927 زندانی بود.³⁸ با داوری از روی مدارک بازپرسی پیشاور به سال 1924 و با توجه به سزای نسبتا «نرم» به شفیق، چنین بر می آید که اپیزود رسانیدن بیست بمب به پیشاور از دید سازمان اطلاعات بریتانیا پنهان مانده بود. در غیر آن، او با سزای اعدام رو به رو می شد، نه سه سال زندان.

تحریم حزب ملی سرحد از سوی راسکلنیکف و فراخواندن شفیق از کابل ثابت ساخت که کمینترن تلاش می ورزید از قبایل مرزی پشتون برای برهم زدن سلطه بریتانیا در هند بهره گیرد. مگر در نظر داشت به افغانستان در شامل ساختن نوار «آزاد» به خاک آن کمک کند. اتصال زمین های پشتون ها زیر حاکمیت شاه افغانستان، محسوس ترین ضربه بر اقتدار کلیت امپراتوری در آسیای میانه شمرده می شد. مگر در مسکو در آن برهه ترجیح می دادند از شورش پشتون ها به عنوان کپسول انفجاری (دیتاناتور) برای انقلاب آینده در هند بهره گیری نمایند. به همین دلیل، پاییز 1921 یک تلاش دیگر ملی گرایان پشتون مبنی بر به دست آوردن کمک از سفارت شوروی در کابل با شکست رو به رو گردید. کسی به نام عبدالولی خان در پایتخت افغانستان «جامعه خادمان هند» را پی ریزی کرد. بر نامه این سازمان مبارزه در برابر انگلیس بر سر «متحد ساختن افغانستان با قبایل آزاد و استان شمال باختری مرزی هند (در گام نخست شهر پیشاور) و در پی آن پنجاب و بلوچستان» را در نظر داشت.³⁹ بدون اسلحه و طلای شوروی جامعه خادمان هند پس از گذشت یک ماه از هم فرو پاشید. راستش، حتا پس از این هم، ولی خان با داشتن تماس های شخصی با نمایندگان سفارت شوروی، ناکامانه بر تخصیص عاجل مبالغ هنگفت پول برای قبایل مرزی پافشاری می کرد.

نمایندگان شوروی با پیشبرد بازی باریکی از ولی خان به مقاصد خود کار می گرفتند: راسکلنیکف به یاری او توانست تماس هایی را با برخی از سران قبایل پشتون مرزی بر پا نماید. افزون بر این، از ولی خان از سوی سفارت شوروی به عنوان منبع اطلاعات ارزشمند در باره افغانستان بهره گرفته می شد. ولی خان با آگاهی یابی از امیدبخش نبودن تلاش های خود مبنی بر دستیابی به کمک گسترده مالی از روسیه شوروی و کمینترن برای پشتون های هند بریتانیایی، خود تماس های خود با سفارت شوروی را بر هم زد و پایان بخشید.

³⁷ نامه شفیق به راسکلنیکف، تاریخی 18.7.1922 // بایگانی دولتی تاریخی اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495. پرونده ویژه 68. پرونده 63. برگ های 44-45.

³⁸ برای به دست آوردن آگاهی های بیشتر نگاه شود به: بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 495، پرونده ویژه 213، برگ 19.

³⁹ گزارش راسکلنیکف در باره کار هند از تاریخ 1 دسامبر 1921 تا یکم ماه می 1922، بایگانی تاریخی اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 544، سال 1921، پرونده ویژه 3، کارتن های 105، برگ 138.

همکاری با عبیدالله و هوادارن او بیخی به شکل دیگری پیش می رفت. به گزارش راسکلنیکف، این ناسیونالیست هندی مشهور در افغانستان در مسکو به شاحه چپ کنگره ملی هند پیوست و می پنداشت که قبایل مرزی پشتون «اهرم خارجی اصلی برای تسریع و تسهیل انقلاب هند به شمار می روند».⁴⁰

راسکلنیکف از طریق محمد علی به عبیدالله 2000 پوند استرلینگ «برای تمویل جنبش ضد بریتانیایی در میان قبایل «آزاد» داد.⁴¹ افزون بر این، کمینترن نزدیک به 5000 پوند استرلینگ برای حمایت از ناسیونالیست های هندی (به گمان غالب وابسته به همان گروه عبیدالله) مصرف شد. سفارت شوروی در عمل پول بارها بیشتری را برای پشتیبانی از پیکار ضد بریتانیایی قبایل پشتون نوار «آزاد» خرج می کرد. بنا به مدارک استخبارات انگلیس از اکتبر 1922 تا اکتبر 1923 راسکلنیکف برای این مقصد 800 هزار روپیه افغانی (برابر با 320 هزار روبل با پشتوانه طلا) مصرف نموده بود.⁴²

راسکلنیکف قبایل پشتون را اسلحه «یونورسالی» می پنداشت که به کمک آن روسیه شوروی و کمینترن می توانند بر حکومت افغانستان تاثیر بگذارند و برای انقلاب آینده در هند آماده گیری نمایند. در این رابطه، بی آن که پول و نیرو را صرفه نمایند، به رغم نظارت پیوسته پلیس افغانستان و اجنت های انگلیسی در نوار «آزاد» هند بریتانیایی پایگاه های کمینترن ایجاد می گردید. به سال 1922 شمار این چنین مراکز زیر زمینی به پنج می رسید. مهم ترین مرکز از دیدگاه اهمیت و پویایی در میان قبایل مرزی مرکز نام نهاد چمرکند «کمیته رهروان جهاد» بود.

به تاریخ 18 جنوری 1924 کمیته اجرایی کمینترن مصوبه یی را در باره ایجاد شبکه های هسته های زیر زمینی در گستره قبایل پشتون به مقصد پویاتر سازی اقدامات خود در ناحیه مرزی هند و افغان تصویب کرد. به یاری و هابیون موفق گردیدند در گذرگاه خیبر و وزیرستان دو کمیته را ایجاد نمایند که از سوی کمینترن تمویل می گردید و دستورهای آن را اجرا می کرد. در گام نخست در نظر بود گروه زیر زمینی یی در مرکز مهم استراتژییک- شهر کویته ایجاد گردد مگر «کمیته رهروان جهاد» نتوانست این کار را انجام دهد. چون در بلوچستان تاثیر آن محدود بود.

گروه زیر زمینی کمینترن در خیبر در ماه می 1924 ایجاد گردیده بود. مقارن با این زمان، از این ناحیه و. میستر السکی- نماینده کمینترن (که همزمان کارمند سفارت شوروی نیز بود) پنهانی بازدید نمود که پول و رهنمودهایی را برای فعالان بومی با خود آورده بود. اعضای گروه خیبر پروپاگاند ضد بریتانیایی را در میان قبایل بومی افریدی و مومند پشتون پیش می بردند. وظیفه اصلی این گروه این بود که با همه شیوه ها به برونبری سپاهیان انگلیسی از گذرگاه خیبر دست یابند.

گروه کمینترن در شهر وانه کار خود را آغاز کرده بود. در ماه جون 1924 به این گروه رهنمود داده شده بود شبکه گسترده زیر زمینی یی را در وزیرستان و بلوچستان ایجاد نمایند. با توجه به ویژگی اوضاع در خیبر نسبتا آرام و وزیرستان پرتب و تاب، کمینترن از شیوه ها و روش های گوناگونی برای درهم کوبیدن مواضع بریتانیا در گستره قبایل پشتون بهره می گرفت.

در خیبر تبلیغات پویایی به مقصد متقاعد ساختن افریدی ها مبنی بر خود داری از خدمت در یگان های ارتش بریتانیا، تحریم خرید کالاها انگلیسی و نافرمانی از حکومت بریتانیا پیش برده می شد. این کار دستاوردهایی داشت: انگلیسی ها ناگزیر بودند دست به جلب و جذب مردها از قبایل دیگر دست بیازند. افزون بر این، در تشکیلات و دسته های غیر منظم قبیله یی که از سوی حکومت بریتانیا ایجاد گردیده بود، هسته های کمینترنی پی ریزی شده بود.

⁴⁰ همان جا، برگ 134.

⁴¹ بایگانی مرکزی خدمات فدرال امنیت، پرونده آر- 41036.

⁴² Spain j.w. The Pathan Borderland. Hague, 1963.P:245.

در وزیرستان-جایی که هنوز کانون های مقاومت مسلحانه در برابر سپاهیان بریتانیا مانده بود، کارمندان کمینترن قبایل را به قیام در برابر انگلیس فرا خواندند. توجه بزرگی همچنان به کشف شبکه های اطلاعاتی بریتانیا در میان قبایل مبدول می گردید. مقارن با پایان 1924 گروه وانه موفق گردیده بود پایگاه های خود را در نزدیکی دژ سندیمان ایجاد نماید.

پویایی ضد بریتانیایی کمینترن در گستره قبایل پشتون مستلزم منابع بزرگی بود که وهابیون و همکاران آنان به پیمانہ مقتضی به دست می آوردند. برای مثال، مقارن با ماه دسامبر 1924 گروه خیبر 12447 پوند استرلینگ و گروه وانه 4216 پوند مصرف کرده بودند.⁴³

مرکز سید آشان در باجور را غلام محمد عزیز رهبری می کرد که بنا به توصیه محمد علی به این کار گماشته شده بود. عزیز که یک نظامی کادری بود، توانست در میان جوانان بومی دبستانی را «برای پرورش انقلابیون پتان» سازماندهی کند و کار را در میان سپاهیان انگلیسی (به گمان غالب در میان دسته های گوناگون قبیله بی که به خدمت ارتش بریتانیا در آمده بودند)، آغاز کند. او توانست دستگاه چاپ را به کوهستان برساند و آغاز به چاپ آثار تبلیغی نماید.⁴⁴

در یکی از شبنامه ها فراخوانی آمده بود عنوانی کوهنشینان مبنی بر این که باید به رغم امضای قرار داد صلح میان افغانستان و انگلیس در برابر انگلیسی ها به پیکار ادامه دهند. شاید همو در همین شبنامه افغان ها را به گناه پایان دادن به جنگ در برابر انگلیسی ها «خوک ها» خوانده بودند. چیچیرین بر افروخته ناگزیر بود شخصا مداخله کند تا جلو این گونه خودسری های کمینترن را که منجر به تیرگی روابط با افغانستان می گردید، بگیرد.⁴⁵

راسکلنیکف همچنان به این باور بود که هرگاه عزیز «به پخش این گونه «چرند و پرندها» که با روحیه سیاست ما در هند مغایرت دارد، ادامه بدهد، باید روابط یا این مرکز را پایان داد».⁴⁶

سرنوشت آتیه این مرکز کمینترن را از روی اسناد آرشیوی نمی توان پیگیری کرد. چنین بر می آید که پویایی آن پس از چندی پایان یافته باشد. در گام نخست به خاطر آن که حکومت بریتانیا به گونه اوپراتیفی تدبیرهای پرشوری را برای نابودسازی این گونه آموزشگاه های نظامی زیر زمینی در نوار آزاد برای نوجوانان پشتون روی دست گرفته بود.

به خاطر عینیت بایسته است خاطر نشان سازیم که بخش بزرگ این آموزشگاه ها بدون کدامین کمک خارجی ایجاد گردیده بودند. خود قبایل در آن ذینفع بودند که همقبیله های شان - رزمندگان جنگ جهانی اول- تجارب و آموخته های رزمی خود را به جوانان و نوجوانان بیاموزند و کمینترن می کوشید از این وضع به سود خود بهره برداری نماید.

به همین ترتیب در دیره یک مرکز دیگر کمینترن به رهبری شخصی به نام مخفی- دوست شخصی محمد علی، ایجاد گردیده بود که همچنان آغاز به ایجاد آموزشگاه در نوار قبایل «آزاد» یازیده بود.

⁴³ گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست هند در باره کار در شمال باختری هند و وزیرستان، طی ماه های مارچ-دسامبر 1924

⁴⁴ گزارش راسکلنیکف در باره کار هند از تاریخ 1 دسامبر 1921 تا یکم ماه می 1922، بایگانی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 544، پرونده ویژه 3، کارتن 105، برگ 144.

⁴⁵ نامه چیچیرین عنوانی تسوکرمان تاریخی 19.10.1921 // بایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند 071، سال 1921 پرونده ویژه 3 پرونده 103 پوشه 1 برگ های 15-16.

⁴⁶ گزارش راسکلنیکف در باره کار هند از تاریخ 1 دسامبر 1921 تا یکم ماه می 1922، بایگانی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 544، سال 1921، پرونده ویژه 3، کارتن 105، برگ 144.

برپایی همکاری با تورانگزیایی- پیشوای مومندهای کوهنشین که دسته های چند هزار نفری او در گذشته بارها بر شهر پیشاور تاخته بودند، پیروزی بزرگ کمینترن در هند بریتانیایی به شمار می رفت. روشن است تعاون اجنت های کمینترن با روحانی سرشناس مسلمان تنها بر شالوده مبارزه باهمی مسلحانه در برابر انگلیس ممکن بود. هر گونه تبلیغات کمونیستی در میان مومندهای پیرو تورانگزیایی در مرکز «غازی آباد» منجر به گسستن بی درنگ روابط با این پیشوای قبیله یی می گردید. روشن است سفارت شوروی در کابل توانسته بود با او از طریق وهابیون چمرکند ارتباط برپا نماید.

راسکلنیکف، بهار سال 1922 همراه با نشاندهی نخستین دستاوردها در گستره قبایل پشتون، در عمل ناگزیر بود شکست پلان محمد علی مبنی بر ایجاد مرکز واحد ضد بریتانیایی در ناحیه مرز شمال باختری هند را نیز خاطر نشان بسازد. او با برخوردن با پراگندگی و از هم گسیختگی قبایل مرزی ناگزیر بود اندوهگینانه به کمیساریای خلق در امور خارجی گزارش بدهد: «فروپاشیدگی و از هم گسیختگی قبایل جداگانه و نمایندگان جداگانه این قبایل، نبود سازماندهی و نظم متحد سازنده همه قبایل، آرزومندی هر یک از نمایندگان قبایل برای این که خود رهبر باشد و کشاکش ها و همچشمی ها و بدبینی های شخصی برخاسته از این امر بر شالوده رقابت، مانع بس جدی یی بر سر راه کار ما در میان قبایل می باشد. بر ما است تا در گفتگو با هر یک از قبایل جداگانه با آن ها وارد معامله شویم و سوبسایدی های تخصیص یافته برای قبایل را به چند بخش تقسیم نماییم. این ناتوانی خاورزمینی ها در متحد شدن و سازمان یافتن و خود بزرگ بینی و برتری خواهی آنان تا کنون چندین بار موجب کندی شدن پویایی انقلابی ما در خاور گردیده است...»⁴⁷

عدم آرزومندی پشتون ها به متحد شدن برای تدارک انقلاب در هند، نمی توانست راسکلنیکف را نگران نسازد. مگر عدم «سازمانیایی» و ناهمگرایی ناسیونالیست های خاوری به او مزاحمت نمی کرد از آنان برای جمع آوری اطلاعات استخباراتی در باره اوضاع در نوار «آزاد» و اطلاعات در باره سپاهیان انگلیسی که در مرزهای هند و افغانستان مستقر بودند، بهره گیری نماید.

اجنت های کمینترن از سوی سفارت شوروی مجهز گردیدند با پرسشنامه ویژه در بر دارنده فهرست پرسش هایی که مورد دلچسپی نمایندگان شوروی در کابل بود.⁴⁸

در گام نخست، کمینترن به مدارک دقیق در باره همه «مراکز» ضد بریتانیایی که در آن هنگام در نوار «آزاد» فعالیت داشتند، نیاز داشت. موقعیت دقیق آن ها، امکانات مالی شان، مقدار اسلحه دست داشته آن ها، مناسبات آن ها با دیگر سازمان ها و میزان نفوذ و تاثیر آن ها در میان قبایل مرزی، روابط آن ها با کابل (به ویژه با سفارت های خارجی). افزون بر این، اجنت های کمینترن می بایستی اطلاعات دقیقی را در باره نیازهای مراکز به اسلحه، پول و آثار تبلیغی جمع آوری می کردند. در پرسشنامه راسکلنیکف به ویژه بندی در باره شیوه مطمئن گسیل اسلحه برای آن که به دست انگلیسی ها و حکومت افغانستان نیفتد، دیده می شد.

در یک سخن، کمینترن می خواست موجودیت سازمان های مختلف ناسیونالیستی را در گستره قبایل پشتون کشف نماید. برای آن که برای برخی از آن ها کمک نماید و آن ها را به حوزه تاثیر خود بکشد. به گمان بسیار، همزمان با حل این مساله، آن مراکز زیر زمینی که قبلا از کمینترن پول به دست آورده بودند، نیز توسعه داده می شد. با دانستن تمایل شخصیت های خاور زمین به طلا و توطئه چینی و دسیسه سازی، این گونه آژیوری و بیداری کاملا موجه می نمود.

47. همان جا برگ 145.

48. پرسشنامه راسکلنیکف بنا به رهنمود رهبری بخش خاوری کمینترن تاریخی 28.1922.05 ترتیب داده شده بود. // بایگانی دلتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه فوند 544 پرونده ویژه 3 کارتن 105 برگ های 172-175.

بخش دوم «پرسشنامه» راسکلنیکف به روشن ساختن پتنتسیال نظامی قبایل «آزاد» پشتون تخصیص یافته بود. در گام نخست، کمینترن به کمیت و کیفیت اسلحه کوهنشینان دلچسپی داشت. افزون بر این، کمینترن از راسکلنیکف خواستار مدارک در رابطه با آن بود که به کدام پیمانانه قبایل از عملیات سرکوبگرانه سپاهیان انگلیسی و خشکسالی سال 1921 زیانمند شده بودند و «هر قبیله در صورت نیاز به کدام اندازه جنگجو داده می توانست».⁴⁹

اجنت های کمینترن می بایستی اطلاعات را در باره روابط قبایل با حکومت افغانستان به شمول اطلاعات در باره واکنش پتان ها به فراخوان امیر مبنی بر حفظ صلح با انگلیس در سه سال آینده جمع آوری می نمودند.

جهت دیگر فعالیت اجنتوری کمینترن در استان شمال باختری مرزی هند «کار» طبق سامانه نام نهاد «حصه داری» بود. دسته های غیر منظم قبایل که از سوی حکومت هند بریتانیایی در نوار «آزاد» تشکیل یافته بودند، دلچسپی و شیفستگی کمینترن را به چند دلیل بر می انگیزتند:

- 1- در خود نوار «آزاد» این یگان ها بس موثر بودند با آن وسیله که بس پرمصرف تحکیم نفوذ انگلیس در میان قبایل کوهی شمرده می شدند.
- 2- «حصه داران» به منزله باشندگان بومی هنگام اجرای هر گونه اقدامات ضد بریتانیایی در گستره قبایل پشتون خطرناکترین جنگجویان به شمار می رفتند.
- 3- برای بسیاری از «حصه داران» خدمت برای انگلیسی ها ناگزیر بود. برای این که از گرسنگی نمیرند. بسیاری از این پشتون ها حتا با به دست آوردن پول از اداره استعماری، از بریتانیای کبیر نفرت داشتند. آن ها آماده بودند شورش را در هر لحظه مساعد و مناسب برپا نمایند و یا در ازای پول کار اطلاعاتی را ضد «انگریزی ها» پیش ببرند.

روشن است مفصل ترین اطلاعات را اجنت های کمینترن می بایستی در باره شمار، محل استقرار، تحکیمات و جنگ افزارهای سپاهیان انگلیسی در نوار «آزاد» جمع آوری می نمودند. از این رو، بخش بزرگ «پرسشنامه» راسکلنیکف به این موضوع تخصیص یافته بود. در این حال، توجه ویژه یی به ساختمان های دژها و پاسگاه های نوساخت از سوی انگلیسی ها (شمار پادگان های انگلیسی ها و شمار دستگاه های توپخانه آن ها) و نیز راه های نظامی مبدول می گردید.

پشتون ها به خاطر پول با اشتیاق اطلاعات مورد نیاز اجنت های کمینترن را به دسترس آنان می گذاشتند و با آنان در کار در برابر انگلیس در چهارچوب امکانات دست داشته همکاری می کردند. مگر در مسکو، چنین بر می آید که تصمیم گرفتند برای موثریت بیشتر استخبارات شوروی در گستره قبایل پشتون، حرفه یی های بسیار خوب آماده شده کار نمایند، نه انقلابیون آماتور!

گاهگاهی کار به ناکامی می کشید. برای مثال، بهار سال 1922 راسکلنیکف پخش آثار تبلیغی کمینترن به زبان های انگلیسی و پارسی را در میان قبایل مرزی پشتون اجازه نداد. چون در کتابواره ها و شبنامه ها نشان های چاپخانه های شوروی زده شده بود.⁵⁰

فعالیت پویای اجنتوری کمینترن در افغانستان در سال های 1921-1922 مانع جدی یی برای عادی سازی مناسبات میان کابل و لندن گردیده بود. امان الله خان برای پیاده سازی ساماندهی ها (اصلاحات) به صلح با انگلیس نیاز داشت. از همین رو، به سال 1922 حکومت افغانستان ناگزیر گردیده بود تدبیرهایی برای پایان بخشیدن به پویایی های فعال ضد بریتانیایی در کشور خود اتخاذ نماید. در این سال، از افغانستان مهم

⁴⁹ همان جا.

⁵⁰ یادداشت گزارشی راسکلنیکف به کمیته اجرایی کمینترن تاریخی 11.05.1922 // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه فوند 544 پرونده ویژه 3 کارتن 105 برگ 170.

ترین اجنت های کمینترن یا کسانی که با آن ارتباط داشتند، بیرون رانده شده بودند. در ماه اکتبر 1922 عبیدالله بی آن که منتظر اخراج شدن از افغانستان گردد، با گروهی از هم اندیشانش به تاشکنت آمد. مقارن با آن زمان، او دیگر در عمل رهبر «حکومت موقت هند» در کابل بود و همزمان با آن کمیته کابل «کنگره ملی هند» را رهبری می کرد.

عبیدالله، با رفتن «نمایشی» از افغانستان می خواست به مهاجران هندی نشان دهد که دیگر نمی توانند روی کمک امان الله سنجش نمایند. مگر عبیدالله نمی خواست بدون نبرد تسلیم شود. او تصمیم گرفت حکومت شوروی را متقاعد سازد تا «همدردی کابل را با دادن رشوه بخرد».⁵¹ عبیدالله از کرملن خواست ده میلیون روپیه به دسترس او بگذارد. به کمک این مبلغ او با پشتیبانی سپهسالار نادر خان امیدوار بود «مناسبات انگلیس و افغانستان را سرد و تیره بسازد». تا زمینه برای بهره گیری از افغانستان به عنوان «پایگاه برای کار انقلابی در هند و میان قبایل پشتون» فراهم گردد.⁵² در کمیساریای خلق در امور خارجی این پلان را به دلیل غیر عملی بودن آن، رد نمودند.

پشت پرده خیالبافی های عبیدالله در آن هنگام نخستین تلاش های نادر خان مبنی بر یافتن پشتیبان نیرومند برای خود برای سرنگونی امان الله خان پنهان گردیده بود. هر چه بود، عبیدالله نامه نادر خان را آورده بود که در آن او از دست سرنوشت خود که به یک جنرال مغضوب و از نظر افتاده مبدل گردیده بود، شکوه و نالش داشت و «سیاست بخارایی» امان الله خان را به تازیانه نکوهش بسته بود.⁵³ دشوار بود از سخنان عبیدالله دریافت که آیا نادر خان در آن برهه آماده بود در کابل یک کودتای نظامی را به راه اندازد یا نه؟ چیزی که رهبران شوروی را یک بار دیگر به ماجراجوی رهبر هندی و ناممکن بودن ادامه کار زیر زمینی در افغانستان و هند با روش های کهنه متقاعد ساخت.

به سال 1922 مرکز کابل ناسیونالیست های هندی که در افغانستان سر از جنگ جهانی اول فعال بود، به موجودیت خود پایان داد و کار پویای کمینترن در این کشور برای چندی قلع گردید. در رابطه با این، در سال های دهه بیست سده بیستم، پویایی های استخباراتی در افغانستان و نوار «آزاد» هند بریتانیایی به پیمانانه چشمگیری زیر کنترل استخبارات شوروی رفت که به رغم اخراج اعضای هسته زیر زمینی پیشین در کابل، هر چه بود «ارثیه» ارزشمند کمینترن را هم در افغانستان و هم در شمال باختری هند، به چنگ آورده بود.

بخش دوازدهم

دژ پامیر

بی میلی حکومت افغانستان مبنی بر دادن ترانزیت آزاد برای اسلحه شوروی به قبایل نوار «آزاد» هند بریتانیایی، روسیه شوروی و کمینترن را ناگزیر گردانید به جستجوی کوره راه های پنهانی منهای نواحی

⁵¹ یادداشت گزارشی ریسنر - دستیار سوریتس در مسایل هند تاریخی 21. 03.1923 // ایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند 090، 1923، پرونده ویژه 6 کارتن 5 پوشه 2 برگ 29.

⁵² همان جا.

⁵³ چنین بر می آید که سخن بر سر ادعاهای ارضی امان الله خان بر بخشی از خاک امارات پیشین بخارا بوده باشد.

مرکزی افغانستان برآیند. در این رابطه، سوریتس جمال و م. روی توجه ویژه بی را به مسیر پامیر برای رابطه با هند مبذول نمودند.

به تاریخ دهم فبروری 1921 سوریتس به کمیساریای خلق در امور خارجی تلگرامی گسیل داشت که در آن گزارش داد که برای تحقق این طرح، در نظر دارد برای برپایی تماس های پایدار با چترال و باجور، یک افسر ستاد کل را به پامیر گسیل دارد. لزوم برداشتن چنین گامی را سفیر چنین توضیح داد: «در صورت موفقیت، پامیر می تواند نقش مرکز میانجی را میان هند و ترکستان بازی نماید. رابطه پامیر می تواند عمدتاً برای رسانیدن جنگ افزار به کار گرفته شود و تراز وابستگی کار هندی ما را از افغانستان پایین بیاورد».⁵⁴

گزینش «بام جهان» به عنوان تخته پرش و خیز برای عملیات ویرانگرانه و اطلاعاتی ضد بریتانیایی تدبیر ناگزیری بود. چون رسانایی فرضی ممکن اسلحه به یک سرزمین بلند کوهستانی حتا با داشتن پایگاه های خوب تجهیز شده تا مرزهای هند امر بس دشواری بود. این در حالی بود که در پامیر پس از روی کار آمدن بلشویک ها در روسیه، فروپاشی و درهم و برهمی حکمفرما بود: افسران و سربازان با تفنگ ها و پول خزانه ها آن سوی مرز می رفتند- بیشتر به هند. بسیاری از پاسگاه های مرزی از سوی باشندگان بومی و چینی ها به تاراج رفته بودند.⁵⁵

به سال 1919 از پاسگاه پامیر نه مرزبانان روسی، بل صد تن از اسیران چکی و سلواکی که یگانه آرزوی شان- رهایی از این زندان بلند کوهستانی و رهسپار شدن به سوی میهن شان بود، پاسداری می کردند.⁵⁶ به ویژه باید خاطر نشان ساخت که پویایی دسته های باسماچی ها در وادی فرغانه برای زمان درازی پامیر را از تاشکنت بریده و جدا ساخته بود. در این پیوند، حکومت شوروی تنها در سال 1921 بر بام جهان حاکم گردید.

راستش، تا این زمان در روند یک سال در آن جا دسته ارتش سرخ به فرماندهی سیمیکین عمل می کرد. حضور به این پیمان درازمدت این یگان رزمی در پامیر از سوی روسیه شوروی به منزله رویداد مهم سیاسی ارزیابی می گردید. در اکتبر 1920 کمیسار جبهه ترکستان به جنگاورانی که در پامیر بودند، با پیامی ستایش آمیز رو آورد که در آن آمده بود:

«رفقای دسته پامیر!

به شما رسالت خطیری سپرده شده است. جمهوری شوراها شما را به پاسگاه پامیر گسیل داشته است. به مرزهای کشورهای دوست- هند و افغانستان. کوه های پامیر روسیه انقلابی را از هند که در آن 300 میلیون انسان که از سوی انگلیسی ها به بردگی گرفته شده اند، جدا می سازد.

در این فلات کوهستانی، شما پیک بران انقلاب، بایست درفش سرخ ارتش رهایی بخش را بر فراز بام دنیا بر افرازید!

توده های هند که در برابر استیلاگران انگلیسی مبارزه می کنند، به زودی آگاهی خواهند یافت که کمک دوستانه از راه می رسد. شما با همسایگی خود با قبایل آزادی دوست شمال هند با حرف و عمل راندمان انقلابی آن ها را تسریع نمایید.»⁵⁷

⁵⁴. بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 5، پرونده ویژه 1، کارتن 2179، برگ 134.

⁵⁵. برای به دست آوردن آگاهی های بیشتر در باره اوضاع در پامیر در سال 1921 نگاه شود به: خارپوکف ل. ن. رقابت های روس و انگلیس در آسیای میانه و اسلامیزم، مسکو، 1995، ص. 120-122.

⁵⁶. گزارش فرمانده دسته نظامی- مرزی پامیر تاریخی 2.10.1919 // بایگانی دولتی نظامی روسیه، پرونده ویژه 1، کارتن 190، برگ 2.

⁵⁷. Samra chattar Sing. India and AngloSoviet Relations 1917B1947. Bombay, 1995 P.52-53.

برای آن که پامیر را به پایگاه برای پیشبرد استخبارات در کشورهای همجوار و صدور انقلاب به هند مبدل ساخت، تابستان 1921 از سوی کمیته فوق العاده ترکستان به گونه عاجل در شهر اوش (قرغیزستان) دسته ویژه اعزامی «پامیر» به رهبری ت. دیاکف تشکیل گردید که میخائیل الله وردی اف جوان (که پس از بیست سال به دستور شخص استالین در دوره جنگ جهانی دوم به عنوان رزدنت استخبارات خارجی شوروی در افغانستان گماشته شد) معاون او گردید.

عملیات گروه اعزامی به پامیر را در برنامه بود تا چونان عملیات مشترک کمیته فوق العاده ترکستان، ادراه اطلاعات جبهه ترکستان و کمیساریای خلق در امور خارجی پیاده نمایند. ت. دیاکف- نماینده کمیته، اوژن پتروفسکی- نماینده اداره اطلاعات بودند و ارنستو پومپور⁵⁸ - که از مجرای کمیساریای خلق در امور خارجی گسیل گردیده بود، قرار بود استخبارات سیاسی را پیش ببرد.

دیاکف بر سر راه خاروغ (تاجیکستان) در دسته زیر فرمان خود انضباط آهنینی را برقرار کرد که چنین بر می آید برای رسیدن هر چه سریعتر به مقصد تعیین شده بود. به تاریخ 18 سپتامبر 1921 هنگامی که 150 افسر و سپاهی ارتش سرخ به خاروغ رسیدند، نمی از آنان نیمه برهنه و بیمار بودند. از جامه و دارو خبری نبود. سیمای ترسناک این پاسگاه مرزی را نام با مسمای «زیر ساطور مرگ» که به آن داده بودند، به خوبی بازتاب می دهد. دشواری های مادی با همچشمی های شدید میان نمایندگان سه اداره مختلف که از دیدگاه تیوریک هدف مشترک (تحکیم حاکمیت شوروی در پامیر و تنیدن شبکه اطلاعاتی در کشورهای همسایه) داشتند، پیچیده تر می شد. مگر رفتارهای زننده و زشت و نابخردانه دیاکف- نماینده تام الاختیار کمیته فوق العاده ترکستان نزدیک بود همه چیز را بر هم بزند.

افزون بر فاکتور ذهنی، روشن است علل عینی بی پدیدآیی خصومت میان رهبران گروه اعزامی پامیر هم بودند. در برابر دیاکف- مامور ضد جاسوسی و وظیفه کشف و برهم زدن کار جاسوسان انگلیسی و افغانی در گستره شوروی نهاده شده بود. پامیر در آن هنگام چونان دالان گذر و رخنه «سیاهکاران» گوناگون که در میان آن ها شمار بسیار پتان ها (عمال انگلیسی ها) دیده می شدند، بودند. افزون بر این، باشندگان این ناحیه اسماعیلی ها بودند که طی سده ها سامانه خشن پنهانکاری را هم در میان جامعه خود و هم در بیرون از آن تدوین نموده بودند. کانال های پنهانی روابط آن ها سراسر آسیای میانه را در بر می گرفت و به هند بریتانیایی- جایی که رهبر مذهبی آن ها- پرنس آقا خان بود و باش داشت، می رسید.

این وضع در گذشته نگرانی جدی دولت تزاری در ترکستان را نیز بر می انگیزت. مگر طی دهه ها کسی نمی توانست از رسیدن اطلاعات و طلا به آقا خان جلوگیری کند. دیاکف با سی کارمندش تلاش داشت با این سازمان نیرومند اسماعیلی مبارزه نماید! آن هم در حالی که مبارزه سختی را با شبکه های اطلاعاتی بریتانیا و افغانستان پیش رو داشت. چنین بر می آید که اعتراف به ناتوانی را در ذهن او بیماری ذهنی نام نهاد «اشپیومانی» آفریده بود. او حتا به ارنستو پومپور و اوژن پتروفسکی آغاز به سوء ظن نمودن کرد. او حتا پتروفسکی را بدون دلیل بازداشت کرد.

نمایندگان اداره اطلاعات و وزارت خارجه مورد سوء ظن دیاکف بودند، چون با توجه به شرایط واقعی آغاز به بهره گیری ابزاری از ساختارهای اسماعیلی برای کارهای اجنتوری نموده بودند. برای مثال، پومپور توانسته بود ایشان یوسف علی شاه را به همکاری جلب نماید و از طریق آدم های او با بسیاری از مناطق نشیمنی خارجی ارتباط برقرار نماید.⁵⁹

⁵⁸ گزارش ارنستو پومپور، اوژن پتروفسکی و معاونان آنان در باره اوضاع در پامیر و در دسته، تاریخی 1922/01/21// بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 544. پرونده ویژه 4، کاتن 8 برگ 106.

⁵⁹ خاریوکف ص. 174.

افغانستان نیز پنهانی می‌کوشید از اسماعیلیان سود ببرد. اجنت‌های امیر عمداً آوازه‌هایی را پخش نمودند که پامیر روسی به زودی به افغانستان خواهد پیوست. در این اوضاع، ایشان‌های اسماعیلی که آن‌ها را در سده نهم نه بی‌موجب «یزیدان شرق» می‌خواندند، ثابت ساختند که به راستی چه آدم‌های محیل، شاید، نیرنگ باز و مکاری هستند. آن‌ها با همه نیروهای درگیر در پامیر سرگرم توطئه و دسیسه‌سازی بودند و تنها به منافع شخصی خود بها می‌دادند.

ارنستو پومپور و اوژن پتروفسکی به آن اندازه خردمند و نیرومند بودند که کار را در اوضاع بس پیچیده و دشوار پهن نمایند و دیاکف که با همکاریانش به کارهای برونمرزی آنان مزاحمت می‌کرد، پس از یک سال به کار دیگری گماشته شد. لیکن، نه تنها شرایط خشن طبیعی و رسیدگی به حسابات تسویه نشده در میان تیم، کار گروه اعزامی به پامیر را دشوار می‌ساخت. با رسیدن به خاروغ، ناگهان روشن شد که برپایی ارتباط رادیویی با فرماندهی جبهه ترکستان ممکن نمی‌باشد. چون دستگاه فرستنده رادیویی خود ساخت شکسته بود. در این رابطه، فرماندهی دسته پامیر تلاش ورزید پیوندهای پنهانی بی با راسکلنیکف برپا نماید. مگر با شکست مفتضحانه بی‌رو به رو گردید: اجنت پنهانی که با گزارش به کابل گسیل گردیده بود، از سوی دولت افغانستان بازداشت گردید. پس از چندی ارنستو پومپور هر چه بود، توانست گزارشی را به سفارت شوروی در کابل بفرستد که در آن نماینده کمیساریای خلق در امور خارجی در پامیر از راسکلنیکف خواهش کرده بود تا رسماً از امان الله خان بخواهد تا اجازه دهد که رسماً میان خاروغ و سفارت در کابل ارتباط برقرار نماید.⁶⁰

در این اوضاع، ارتباط منظم با تاشکنت تنها با همکاری دولت افغانستان ممکن بود. از طریق سفارت شوروی در کابل پیک رسانیان به دلیل موانعی که باسماچیان ایجاد کرده بودند، نمی‌توانستند به خاک شوروی رخنه نمایند. توافق امیر در زمینه به دست آمد و این‌گونه، محاصره اطلاعاتی دسته پامیر شکسته شد.

با بهره‌گیری از دفترچه‌های رمزی و «پنهان‌نگار»‌های گزارشی اطلاعاتی محرم، از ارنستو پومپور گاهی‌گاهی به کابل گزارش‌هایی گسیل می‌گردید که نسبت به خدمات پستی افغانی هم صرفه‌جویانه‌تر بود و هم مطمئن‌تر و هم زودتر می‌رسید. بخشی از اطلاعات محرم از خاروغ به گمان غالب از مجاری اجنتوری به قونسولگری شوروی به مزارشریف می‌رسید. چنین بر می‌آید که این خط غیر قانونی ارتباط را بیشتر استخبارات نظامی استفاده می‌کرد. چون شمال افغانستان در گام نخست زیر سایه نفوذ این سرویس ویژه در آمده بود. در یک سخن، اطلاعات استخباراتی گرد آورده شده در پامیر با پیمودن راه دور و دراز از طریق افغانستان به گونه منظم به تاشکنت و مسکو می‌رسید. امان الله خان بنا به یک رشته دلایل به جانب شوروی کمک می‌کرد. نقش بزرگی را در نخستین پیروزی‌های استخبارات شوروی «خود فروختگی» کارمندان دولتی افغانستان بازی نمود.

مقارن با سال 1922 ارنستو پومپور با دست و دلبازی و مصارف گزاف مناسبات خود با حکومت محلی امیر برپا نمود و آدم‌های او توانستند «بیخار» میان خاروغ و نواحی مختلف افغانستان، کاشغر و شمال هند رفت و آمد نمایند. همه اجنت‌های شوروی پاسپورت‌های افغانی داشتند که از همان ماموران «با وفای» امیر خریداری شده بودند.⁶¹ به یاری اسناد مطمئن، رهبری دسته پامیر توانست از شکست‌ها و ناکامی‌های بزرگ در کار زیر زمینی در خارج برهد. هرگاه اجنت را رهنمان بومی در راه تاراج نکرده و نمی‌کشتند، او به مقصد می‌رسید و وظیفه خود را انجام می‌داد.

نخستین کامیابی‌های استخباراتی شوروی در نواحی شمال افغانستان و هند را توانستند به پیمانانه چشمگیری به یاری همکاری با اسماعیلیان که در ازای پول برای هر کسی کار می‌کردند، به دست

⁶⁰ بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 544، پرونده ویژه 4، کارتن 8، برگ 108.

⁶¹ بایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند 04، سال‌های 1921-1922، پرونده ویژه 51، کارتن 330، پوشه

بیاورند. با اطمینان می توان گمان زد که ارنستو پومپور و همکاران او از شبکه های برونمرزی پیش از انقلاب نیز بهره می گرفتند که از سوی د. ی. گیلو - فرمانده پیشین دسته پامیر روسیه تزاری که به حکومت شوروی پیوسته بود، در اختیار آنان گذاشته شده بود.⁶² مگر دشوار بود از آنان برای قاچاق محموله های بزرگ جنگ افزار برای قبایل مرزی پشتون به گونه یی که در آغاز سوریتس، جمال پاشا و م. روی می پنداشتند، بهره گیری کرد.

چنین بر می آید که این امر را ارنستو پومپور نیز درک می کرد. مگر او به رهبری خود با این گفته ها آرامش می بخشید که نفس «پدیدار شدن حکومت شوروی در پامیر، تکانه نیرومندی به قبایل رزمنده در راه آزادی به این شرح می بخشد که تنها نوار باریک حایل و اخان افغانی آن ها را از شوروی که درفش آزادی و برابری توده ها را بر بلندای بام دنیا بر افراشته است، جدا می سازد.⁶³ مگر شعارهای انقلابی نمی توانستند موانع متعددی را که استخبارات شوروی با کشیدن دهلیز به سوی هند با آن رو به رو می شدند، کنار بزنند.

استعداد یک جاسوس و در اختیار داشتن منابع مالی، هر چه بود، به ارنستو پومپور اجازه می داد، مقارن با بهار 1922 «پیوندهای برونمرزی یی» برپا نماید و در مرکز اداری قطغن و خان آباد در یارقند (پارکنت چین) و در شهرهای چترال و گیلگیت هند بریتانیایی شبکه های خبر چینی را پهن نماید.

به سال 1922 اجنت های شوروی از پامیر توانستند همچنان در خان نشین «دیره جات» جای پا پیدا نمایند و به سوی شهر پیشاور - مرکز استان مرزی شمال باختری هند بریتانیایی راه بگشایند. این گونه، در بخش شمالی گستره قبایل پتان هند بریتانیایی شبکه اطلاعاتی بس پر شاخ و برگی تنیده شد. با این توانایی که اطلاعات را به گونه اوپراتیفی جمع آوری و در اوضاع اضطراری در باره اوضاع در مرزهای هند و افغانستان و در شمال هند به دسترس بگذراد. خبر چینی در هند دشوارترین کار برای پومپور بود. او در یکی از گزارش های خود به کمیساریای خلق در امور خارجی نوشت که راه همواری برای یک جاسوس که از پامیر به سوی هند گسیل می گردد، از راه چترال و گیلگیت به خاطر تمرکز بزرگ سپاهیان انگلیسی در این ناحیه عملاً وجود ندارد. در این اوضاع، ناگزیر بیراهه ها و کوره راه ها جستجو گردد. بهترین بیراهه ها از طریق پارکنت است که موقعیت بسیار حساس آن به اجنتوری شوروی اجازه می دهد نه تنها در باره کاشغر بل نیز در باره اوضاع در شمال هند اطلاعات را جمع آوری نماید.⁶⁴

گسیل تتی چند از انقلابیون هندی آموزش دیده در تاشکنت و دانشگاه کمونیستی رنجبران خاور در مسکو محک مطمئن بودن مجاری ارتباط میان پامیر و شمال هند بود.

پس از بسته شدن دفتر ترکستان کمیتز که یکی از شرایط عادی سازی مناسبات سیاسی با بریتانیای کبیر بود، وفادارترین رفقای هندوستانی را از آسیای میانه برای تحصیل به مسکو بردند. کسانی هم که در بخارا مانده بودند، از هم پاشیدند و به هر سو پراگنده و پاشان شدند. در این پیوند، م. شولمان - نماینده کمیته فوق العاده در دفتر ترکستان کمیتز، مهاجران هندی را در ترکستان «اجساد بیجان جنبش انقلابی هند» می خواند.⁶⁵

در این اوضاع، برای کمیتز مهم بود تا جای امکان سریع تر بهترین آدم های خود را به هند گسیل دارد تا در سرزمین خود هسته های زیر زمینی کمونیستی را ایجاد و مبارزه راستین در برابر انگلیس را آغاز نمایند. افزون بر این، بر م. روی بس مهم بود ثابت سازد که مبالغ هنگفت و گزاف پول و طلا و ارز به

⁶² زندگینامه ای. د. یاکیلو در کتاب: آدم ها و سرنوشت ها، فرهنگ کتابنامه های خاورشناسان، قربانیان ترور سیاسی در دوره شوروی (سال هاس 1917-1991)، مسکو، 2003، ص.ص. 439-440؛ بازتاب یافته است.

⁶³ بایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند 04، سال های 1921-1922، پرونده ویژه 51، کارتن 330، پوشه 55072، برگ 59.

⁶⁴ همان جا.

⁶⁵ بایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند 090، سال 1920، پرونده ویژه 3، کارتن 2، پوشه 9، برگ 41.

مصرف رسیده در تاشکنت به باد هوا داده نشده و آغاز به بازدهی می نماید. در این پیوند، دانشجویان هندی بی را که نتوانسته بودند درس های خود را در مسکو به پایان برسانند، تابستان 1922 شتابان نزد نیکلای گلدبرگ- مربی دفتر ترکستان کمینترن که برنامه گسیل ده تن را از راه پامیر به چترال و سپس به کلکته ریخته بود، گسیل داشتند.

طبق برنامه گلدبرگ، هندی ها می بایستی همراه با ارنستو پومپور به خاروغ فرستاده می شدند. مگر برای رعایت محرمانیت و رازداری تا رسیدن به این پایگاه در سه دسته در هر دو هفته به همراهی راهنماها به هند فرستاده شوند(هر چند هم در عمل این تقسیم اوقات رعایت نگردید). پومپور سفر امن را به بخارا تضمین داده و به هندی ها اسناد اصلی بریتانیایی داده بود.⁶⁶

مانند همیشه چیزی نمانده بود که گسیل هندی ها به میهن، برهم بخورد. چون کمینترن به گلدبرگ منابع ارزی لازم را نداده بود. در آخرین لحظه، راسکلنیکف از کابل پول فرستاد. پولی که کمینترنی ها به هند انتقال داده بودند، مبلغ هنگفتی را می ساخت: 35250 روبل و 47000 روپیه افغانی(برابر با 1568 روبل با پشتوانه طلا)⁶⁷ حتا بدون احتساب مخارج در روبل، این عملیات کمینترن برای کمیساریای خلق در امور خارجی به 160 چرونس تزاری رسید. با آن که روسیه پس از جنگ داخلی در هم شکسته و ویران شده بود، مگر طلای روسی برای انقلاب افسانه بی جهانی به گونه بی رویه بر باد داده می شد.

شب هنگام 11 نوامبر 1922 نخستین گروه متشکل از چهار نفر (عبدال مجید- رییس گروه، فیروز الدین، رفیق احمد و نبی احمد) به سرعت موفقانه به چترال رسیدند. مگر موفقیت هندی ها در همین جا پایان یافت. چون بامداد روز دیگر حکومت خان نشین چترال آنان را به دست انگلیسی ها سپرد. 23 نوامبر سرنوشت همانندی را گروه دومی متشکل از سه نفر پیدا کرد. بایسته است خاطر نشان سازیم که که دو نفر پشتون از راه کوتوفسیف به نوار «آزاد» رسیدند. مگر چندی بعد در سال 1923 از سوی حکومت بریتانیا بازداشت شدند.

این گونه، نخستین گسیل بزرگ اجنت های کمینترن از راه پامیر به چترال کاملاً با شکست رو به رو گردید. در ماه های اپریل- می 1923 در شهر پیشاور «دادگاه توطئه گران مسکو- تاشکنت» برگزار گردید که به ارزیابی عملیات نافرجام باهمی کمینترن و استخبارات شوروی در هند پرداخت.⁶⁸

رویدادهای اندوهار سال های 1922-1923 برای استخبارات شوروی و کمینترن درس سهمگینی دادند. با داوری از روی اسناد بایگانی ها، پامیر چوان «برج دیده بانی اطلاعاتی شوروی» ماند. مگر گسیل اجنت ها به فراسوی مرزها از این ناحیه بسیار به ندرت صورت می گرفت و کمینترن با اجتناب از ریسک بیشتر برای پویایی های خود در شمال هند به بهره برداری از «دهلیز افغانستان» ادامه می داد.

بخش های زیر ترجمه

بخش سیزدهم

اولتیماتم کرزن: ضد حمله امپراتوری بریتانیا

بخش چهاردهم

سیاست پیشروی (فارود پالیسی) تازه

بخش پانزدهم

⁶⁶ تلگرام گلدبرگ به کمیته اجرایی کمینترن تاریخی 9.07.1922 // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 544، پرونده ویژه 4، کارتن 8، برگ 139.

⁶⁷ صورت حساب گسیل ده تن از هندیان به میهن // بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند 544، پرونده ویژه 4، کارتن 15، برگ 39.

⁶⁸ Documents of the History of the Communist Party of India. Voll.11, New Delhi, 1972, P.33-34.

شورش در خوست: پشتون ها در برابر اصلاحات امان الله

بخش شانزدهم
ماجرای اطلاعاتی لوسیف

بخش هفدهم
انتقام نافر جام کمینترن در «کریدور افغانستان»

بخش هژدهم
سرنگونی امان الله خان

بخش نوزدهم
کشاکش تازه بر سر اورنگ پادشاهی

بخش بیستم
نبرد دو امیر: امان الله خان در برابر حبیب الله خان

بخش بیست و یکم
اشغال کابل به دست قبایل مرزی هند بریتانیایی و به پادشاهی رسیدن نادر

بخش بیست و دوم
خون های تازه بر زمین نوار قبایل «آزاد»

بخش بیست و سوم
توطئه نبی خان

بخش بیست و چهارم
واپسین پیروزی نادر خان

بخش بیست و پنجم
درد سر افغانستان و شوروی

بخش بیست و ششم
اوج شکوه فقیر ایپی

بخش بیست و هفتم
ماجرای پیر شامی: نخسیت عملیات سرویس هاس اطلاعاتی رایش سوم در گستره قبایل پشتون

بخش بیست و هشتم
عملیات با رمز «امان الله» و «تبت»

بخش بیست و نهم
بحران اعتماد سال های 1940-1941 در آسیای میانه

بخش سیم
سال های پر دلهره

بخش سی و یکم
مهانان ناخوانده در کابل

بخش سی و دوم

هند بریتانیایی در تیر رس شبکه اطلاعاتی کشورهای محور

بخش سی و سوم
شکت عملیات «آتشخوار»

بخش سی و چهارم
درد سر اگریمان (اعتماد نامه هنیگ)

بخش سی و پنجم
ببر برای پرش آماده می شود

بخش سی و ششم
ضربه درهم کوبنده بر شبکه جاسوسی کشورهای محور در افغانستان

بخش سی و هفتم
ناکامی ارتش آلمان در برپایی پل هوایی میان باکو و وزیرستان

بخش سی و هشتم
کابل-42، بازی در دو جبهه

بخش سی و نهم
لشکر کشی نافر جام به بخارا

بخش چهلم
اتحاد دیپلمات ها و اطلاعات چیان در جنگ پنهانی در کابل

بخش چهلم و یکم
خیزش قبایل پشتون و ناکامی رایش سوم در بهره برداری از آن

بخش چهلم و دوم
اپی لوگ (پایان سخن) مسکو

بخش چهلم و سوم
سخن آخر مولف

ملاحظات

پیوست ها